

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

یادی از بیست و یکم آذر

است چیزی جز ننگ برای سردمداران رژیم کودتا بیار نمی آورد. بروز بیست و یکم آذر سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ دو واقعه که از اهم وقایع تاریخ معاصر ایران است مربوط است. اول پیروزی جنبش دمکراتیک آذر - بایجان، دوم سرکوب خونین این جنبش بدست قداره بندان و چاقو کشان دربار پهلوی و حامیان استعماری آن.

چرا خلق آذربایجان به جنبش وخیزش دست زد و هدفش چه بود؟ خلق آذربایجان به جنبش و خیزش دست زد زیرا تقاضاهای مکرر او برای تأمین حقوق حقه وی در چارچوب قوانین و موازین کشور، بابت اعتقانی تحقیر آمیز هیئت حاکمه ایران روبرو شد. صدرالاشراف آن قره نوکر ارتجاع ایران و نخست وزیر وقت هنگام قرائت تلگرافهای متعدد اهالی آذربایجان در مجلس چهاردهم با لحن سرشار از تفرعن گفت: گوش ما از این حرفها پر است. مردم آذربایجان نه برای تجربه طلبی

بقیه در صفحه ۳

رژیم کودتا روز بیست و یکم آذر را بدروغ «روز نجات آذربایجان» می نامد و مدعی است که گویا در چنین روزی قوای دولتی آذربایجان را از چنگ «تجزیه طلبان» بدر آوردند! زمانی بر سر این «افتخار» بین شاه و رزم آرا و قوام رقابت بود. اینک رزم آرا و قوام مرده اند و شاه مدعی بلارقیب این «افتخار» است.

آنچه که بروز بیست و یکم آذر مربوط

پس اشکال در کجاست؟

هر کس بهر عنوان وبهانه، بهر علت، درصوف استعمار شوندگان ایجاد شکاف و جنگ داخلی نماید، بشاه و امپریالیسم جهانی خدمت کرده است و ملت ایران هرگز چنین گناهکارانی را که بهر و یا بهمد بامپریالیسم و شاه یاری دهند، نخواهد بخشید.

اینها تکرار آن مطالبی است که اینک چند سال است روزنامه «مردم»، مجله «دنیا»، رادیوی «پیک ایران»، ارگانهای حزب توده ایران بدون خستگی و دأما تصریح میکنند. ما بارها گفته ایم که اکنون در صحنه سیاست ایران علی رغم فشار و اختناق نیروی بزرگی که متأسفانه پراکنده است از کارگر و دهقانان، کارمند و روشنفکر، دانشجو و بازرگان، روحانی و عشیره ای گرم مبارزه ای شجاعانه است ولی این نیروی وسیع متشکل نیست، دارای مشی متوافق نیست، استبداد آنها را جدا جدا بدام می افکند، یکی یکی خفه میسازد و تا این وضع که ناشی از عدم بصیرت انقلابی، آگونیسم سازمانی و سکتاریسم سیاسی است ادامه دارد، رژیم کنونی میتواند خاطر جمع باشد که برهر بحران و هر مشکلی آسان میتواند غلبه کند. ما بارها راه تجمع را هم نشان داده ایم و گفتیم که نیروهای مخالف رژیم متعلق بهجریانهای سیاسی و طبقات اجتماعی مختلفند. نمیتوان و نباید آنها را در سازمان واحدی متشکل ساخت زیرا هیچیک از این نیروها حاضر نیستند استقلال سازمانی و فکری خود را از دست بدهند. تنها راه صحیح ایجاد جبهه وسیعی است از کلیه نیروهای ضد رژیم تحت علمترین و مورد قبول ترین شعارها: برانداختن رژیم کودتا و

بقیه در صفحه ۴

در شماره آبان ماه ۱۳۴۳ روزنامه «ایران آزاد» ارگان سازمانهای جبهه ملی در اروپا مقاله ای تحت عنوان «دشمن اصلی کیست» به طبع رسیده است. بخش عمده این مقاله تا کید مکرر این حقیقت بارز و مسلم است که در نبرد علیه استبداد و استعمار شرط اساسی تجمع و وحدت تمام آن نیروهای است که در این هدف مشترکند. از جمله در این زمینه روزنامه «ایران آزاد» چنین مینویسد:

«استعمار میدانها تا وقتی که تمام قدرت ملت در تحت لوای فرماندهی واحدی متمرکز نگردیده، تا زمانی که تمام استعمار شوندگان جامعه در سازمان واحدی صفوف خود را برای نبرد مرتب نسازند و تمام کسانی که خواه بدلائل مادی و خواه بدلائل معنوی با دیکتاتوری و امپریالیسم مخالفند، نیروهای خود را یکجاو بانقشه جنگی واحد وارد نبرد نکنند، انجام موفقیت آمیز و پیروزی انقلاب ملی امری محال و ممنوع است. اسعاع خارجی و فئودالیسم داخلی از تاریخ انقلابات جهان فرا گرفته اند که چگونه بهره مندی از مزیت فرماندهی واحد میتواند آفابنی فاسد و خائن را بر نیروی انبوه ولی پراکنده وطن پرستان و آزادیخواهان چیره کند. دشمن میدانند که انقلاب تابع قوانین جنگ است ولذا میکوشند با بهره جویی از قوانین مسلم جنگ تا حد ممکن نیروهای ملی را جدا از یکدیگر، پراکنده، بصلحه بکشند و چه بسا نیروی ملی را با استفاده از غفلت و با خاموشی نیروهای ملی دیگر مضمحل نمایند».

پس از این احتجاجات کاملاً منطقی روزنامه «ایران آزاد» می افزاید:

اعتصاب بزرگ تاکسی رانان تهران

اعتصاب ۱۶ هزار تاکسی ران تهران پوشش

سکونی را که رژیم کودتا بر روی واقعیت رنجبار زندگی مردم کشیده است برکنار زد. اعتصاب تاکسی رانان در واقع مظهری از خشم و اعتراض همه زحمتکشان کشور ما بود. اعتصاب مذکور اعتصاب دیگر تاکسی رانان را در فروردین ۱۳۳۷ که یکی از نخستین تظاهرات توده ای برضد رژیم شاه بود یاد می آورد. در شرایطی که گرانی

هزینه زندگی باوج رسیده و کاهش قدرت خرید مردم نان روزانه را از آنها گرفته باز دولت به افزایش مالیات و عوارض نفت و بنزین که از

کالاهای مورد مصرف عموم است مبادرت ورزیده است. گرانی چنین کالائی فقط با کار تاکسی رانان مربوط نیست بلکه در زندگی عموم طبقات مردم

زحمتکش دارای تأثیر محسوسی است. با این تفاوت که تأثیر مذکور در زندگی تاکسی رانان سریعتر و محسوس تر است و از طرف دیگر امکان

اقدامات جمعی برای آنان بیشتر است. از اینجهت نخستین واکنش توده مردم در برابر گران ساختن سیستماتیک هزینه زندگی، بصورت اعتصاب تاکسی

را نشان ظهور کرد. دولت در برابر تاکسی رانان مدعی شد که چون کرایه تاکسی را افزایش داده است دیگر

نباید گله ای برای تاکسی رانان باقی مانده باشد. اما این نکته روشن است که گرانی کرایه تاکسی موجب تقلیل مسافران خواهد شد و بالتجیه از درآمد تاکسی رانان خواهد کاست. دولت میخواهد

ضرری را که از بابت گرانی مالیات و عوارض دولت در برابر تاکسی رانان ظهور کرد. دولت در برابر تاکسی رانان مدعی شد که چون کرایه تاکسی را افزایش داده است دیگر

بقیه در صفحه ۲

دستمزد کارگران

و زحمتکشان ایران

رژیم شاه پیوسته میکوشد که واقعیت زندگی زحمتکشان ایران را پوشیده نگاه دارد. گاهی مدعی میشود که چون واردات ایران زیاد است این امر دلیل افزایش مصرف مردم است. گاهی استدلال میکند که چون وسائل مانند یخچال برقی، کولر و جاروی برقی در بازار ایران فراوان است این امر برافروخته سطح زندگی ملت ایران دلالت دارد. گاهی نیز بسط شهر تهران و عمارات رفیع آن برخ کشیده میشود.

ولی همه این گفتارها سطحی است. نخست باید توجه کرد که افزایش واردات در شرایط کنونی سیاست اقتصادی ایران یکی از علل عمده کساد و کاهش تولید داخلی است و از این جهت افزایش واردات را نمیتوان بقدری خود نشانه ای از افزایش مصرف مردم بشمار آورد. از طرف دیگر هیچ کس نگفته است که در ایران طبقات ثروتمند وجود ندارد. طبیعتاً فقر یک طبقه نتیجه ثروت طبقه دیگر است. سرمایه داران وابسته بامپریالیسم، مالکان بزرگ ارضی، کارگران عمده رژیم کودتا، مفسدان اموال عمومی، قاچاقچیان، سیدان و کلاه برداران که از اجزاء لا ینفک نظام موجودند روز بروز توانگرتر میشوند و کالای بیشتر و تجملی تر مصرف میکنند. رونق عمارات رفیع و هتل های دلایز و کبابهای دل انگیز بقیه در صفحه ۲

است: «مخالفت با رژیم مشروطه سلطنتی» و «توهین به مقام سلطنت»، احکام دادگاهها همه از قبل دیکته شده است اما هیچ خبری در باره جریان این محاکمات و نتیجه آنها نیست. باین ترتیب رژیم شاه هم رفتار شجاعانه زندانیان را از مردم محکوم میدارد هم بیخیل خور اوضاع کشور را امن و آرام نشان میدهد. باید اعتراف کرد که در هیچ کشوری سرنویشت مردم چنین بیرحمانه بازای گرفته نمیشود. رژیم فرانکو در سراسر جهان رژیم ترور و مظالم تاشیسم فام گرفته است اما همین رژیم فاشیستی فرانکو لا اقل خبر توقیف و محاکمه بازداشت شدگان را منتشر میکند و جریان محاکمه و حکم دادگاه در دسترس خبرنگاران خارجی و داخلی قرار میگیرد. رانی که اخیراً دادگاه «مادرید» در باره یکی از رهبران حزب کمونیست اسپانیا و عدهای از اعضای آن حزب صادر نمود گواهی بر این واقعیت است. اما رژیم شاه حتی از رژیم خوئین فرانکو خشن تر، ظالم تر و جبار تر است. در ماه های اخیر از طرف طبقات و قشر های مختلف مردم علیه اقدامات خائنانه شاه در مورد اعطاء مصونیت به مستشاران خارجی و نیز دریافت وام ۲۰۰ میلیون دلاری از امریکا مقاومت های زیادی صورت گرفته است. بدنبال این مقاومتها عده ای توقیف شده اند و محل کسب عدهای در بازار بدستور سازمان امنیت تعطیل شده است اما خبر تبعید آیت اله خمینی هیچ خبر دیگری در این زمینه انتشار نیافته است.

هم اکنون دانشگاه «بازار» جامعه روحانیت عده زیادی زندانی دارند علاوه بر آنکه جمع کثیری از کارگران، دهقانان، افسران و دانشجویان سالهاست که به اتهام مخالفت با «سلطنت مشروطه» زندانی اند و موفق خبر منتشره در نشریه مصدقی «پیام دانشجو» چاپ تهران، تاخیر و تاخر رژیم ترور بحتی است که در تقیبه محاکمه سران و اعضاء جمعیت «نهضت آزادی ایران» سه تن از وکلای مدافع آنانرا بچرم مطالبی که در دادگاه فرمایشی نظامی بعنوان دفاع گفته بودند بازداشت کردند. در بین زندانیان فراوانی که اکنون زندانهای ایران را از تهران تا برازجان انباشته اند هم توده های وجود دارد و هم مصدقی. رژیم کودتا هر چند که جنایت خود را با کشت و کشتار تودهایا آغاز نمود ولی همانطور که پیش بینی میشد دامنه اقدامات چنانکه اراده خود را برزودی به میان تمام احزاب و جمعیت های مترقی بسط داد و حتی منفردین ضد استبداد را نیز در بر گرفت. اگر یک روز تودهایا شکنجه میشدند امروز هر مخالف رژیمی را شکنجه میدهند. اگر یک روز تودهایا مجبور به جلای وطن بودند امروز روحانی شهرویی چورت آیت اله خمینی بخارج از کشور تبعید میشود. وقتی همه احزاب و

بقیه در صفحه ۳

رژیم ترور

در سراسر جهان کمتر رژیمی را میتوان یافت که تا حد رژیم کودتای شاه در نقض قوانین و تخطی و تجاوز بحق مردم کستار و بی پروا باشد. در حالیکه ملبان رژیم سعی دارند «انقلاب سفید» شاه را نقطه تحولی در زندگی مردم، و مردم را شفیقه و هوادار آن جلوه دهند، سازمان «دادگاه های نظامی» شکنجه گاههای هولناک، زندانهای سیاه و چوبه های اعدام با مردم عاصی و ناراضی و بی اعتقاد به «انقلاب شاهانه»، دست و پنجه نرم میکنند. اگر روزگاری سازمان امنیت شاه، خبر هر توقیف و هر اعدام را بمشابه یک «موفقیت بزرگ» از طریق رادیو و مطبوعات همه جا پخش میکرد در چند سال اخیر به شیوه تازه ای دست زده است - شاه مدعی است که مردم هوا دار او و طرفدار «برنامه های انقلابی» او هستند. برای قبولاندن این ادعای واهی به جهانیان ناگزیر باید محیط ایران را آرام و خالی از تشنج نشان داد، انتشار اخبار مربوط به مبارزات و مقاومت های مردم و نیز توقیف ها و شکنجه ها و کشتار ها طبعاً افشاگر ادعای دروغ شاه است از اینجهت است که سازمان امنیت، شیوه تازه را بر گزیده است. در حالیکه زندانهای تهران و شهرستانها مملو از مردمی است که به «اقدامات انقلابی» شاه یاور ندارند در هیچیک از روزنامه های تهران و شهرستانها خبر این بازداشت ها دیده نمیشود. اکثراً این توقیف ها حتی بدون اطلاع خانواده ها انجام میگردد. متهمین را به شکنجه گاهها میبرند، عدهای را زیر شکنجه میکشند و عدهای دیگر را به دادگاههای نظامی تسلیم میکنند. در این دادگاهها که معمولاً در خود زندان تشکیل میشود حتی ابتدائی ترین موازین دموکراسی رعایت نمیکرد. قاضی و داستان و رئیس دادگاه همه مأموران شاه و خصم جان متهم اند. اتهام بازداشت شدگان همه یکی

ملتها بخاطر صلح، آزادی و استقلال ملی و ترقی ایفا میکنند. این توجه و علاقه و در همانحال اهمیت این کنگره را از جمله میتوان از این نکته دریافت که ۷۸ سازمان ملی دانشجویی از پنج قاره جهان بعنوان عضو وابسته و پیوسته در کنگره شرکت داشتند و ۲۲ سازمان ملی و بین المللی دانشجویی و غیردانشجویی ناظرین خود را به این کنگره اعزام داشته بودند.

بقیه در صفحه ۲

نمایندگان هفت میلیون دانشجو در سراسر جهان

رژیم شاه را محکوم میکنند

از هفتم تا نوزدهم آذر ماه (۲۸ نوامبر تا ۱۰ دسامبر ۱۹۶۴) هشتمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان در صوفیه پایتخت جمهوری توده ای بلغارستان تشکیل بود. جریان این کنگره نه فقط از جانب دانشجویان سراسر جهان بلکه از طرف همه علاقمندان به صلح و آزادی ملتها با توجه و علاقه خاصی دنبال میشد. زیرا این حقیقت روز بروز روشن تر میشود که دانشجویان بیش از پیش نقش مهم و فعالی در جنبش

بقیه در صفحه ۲

نامه شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت سال نو بکمیته مرکزی حزب توده ایران و

پاسخ کمیته مرکزی حزب ما

نامه شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

بکمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بشما و همه اعضاء حزب توده ایران بمناسبت حلول سال نو صمیمانه شادباش میگوید. برای شما، رفقای عزیز کامیابیهای بیشتر را در

مبارزه اتان بخیر و صلاح مردم ایران، به خاطر تحکیم استقلال ملی کشور خود، صلح و ترقی اجتماعی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

پاسخ کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

از شادباش عید سال نو که برای ما ارسال داشته اید صمیمانه تشکر میکنیم. ما بغوبه خود کامیابی حزب کمونیست شوروی - پیشاهنگ جنبش کارگری و کمونیستی جهانی را در امر ساختمان پایه مادی و فنی کمونیزم در اتحاد شوروی، مبارزه بخاطر صلح و دموکراسی و سوسیالیزم در سراسر جهان، بخیر و صلاح کلیه ملتلهائی که برای آزادی خود نبرد میکنند، خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بشکست اند. آنچه امروز برای آنها مطرح است، پیروزی نیست، بلکه قبول شکست، با اقتضای و آبروریزی کمترست. ولی همانطور که پیروزی ممکن نیست، شکست غیر مفضلخانه هم ممکن نیست. برای امپریالیسم آمریکا در ویت نام، نقطه یک راه وجود دارد و آن اینست که این کشور را ترک کند و سرنوشت آنرا بدست مردم ویتنام بسپارد. برای اینکه منظره ای از تکامل نبر در ویتنام جنوبی بدست بدیلم بمناسبت نمیدانیم آماری را که در پایان سال از طرف مقامات آمریکائی در سایگون درباره تلفات قوای آمریکائی، قوای ویتنام جنوبی و نیروهای جبهه آزادی بخش ملی منتشر شده است، نقل کنیم. تردید نیست که در این امار تلفات قوای آمریکائی و ویتنام جنوبی کمتر از میزان واقع و تلفات جبهه آزادی بخش ملی، بیش از واقع ذکر شده است. ولی بهر حال همین امار هم نشان میدهد که نبرد در طول چهار سال اخیر در چه راه سیر کرده و کفه بنفع کدام طرف سنگین شده است.

بقیه در صفحه ۲

سفسطه خیانت پیشگان

تردید و تزلزل شدند و با تمام وابستگی بدولت و دستگاه و حرف شوی که دارند، در صحنه گذاری باین خیانت عظیم به ترس افتادند. در چنین موقعی مجله خواندنیها بازری از وقاحت وارد میدان گردید. اعلای مصونیت سیاسی بکارشناسان آمریکائی و احیاء کاپیتولاسیون در کشور ایران امری نیست که دفاع از آن را بتوان با تظاهر بدموکراسی و ملت دوستی در یک جا جمع کرد. از اینجهت مجله خواندنیها این بار سرمقاله دفاعیه شماره ۱۸ خود را برپایه «جهل مطلق» و «حق مطلق» اعلیحضرت، «بیخفی مطلق مردم» و «مردم مطلق اعلیحضرت» بنیاد گذاشت و در خطاب بمردم ایران که بخود اجازه اظهار نظر داده اند چنین نوشت:

«انسان در این قبیل موارد یا مجتهد است یا مقلد. اگر در مسائل فنی و تجاری و صنعتی، نظر شخص اول مملکت را قبول نداشته باشم در مسائل مربوط به

بقیه در صفحه ۲

هدیه جدید شاهانه به انحصارهای نفتی

ایران است قرارداد جدید نفت با این سیاست تطبیق میکند، اما سیاست مردم ایران آزادی کشور از چنگال امپریالیست هاست. از اینرو از نظر مردم ایران این قرار داد و سایر قرار داد های نفتی کال لم یککت و فاقد هرگونه ارزش است. امروز شاه و اقمارش وطن ما را قطعه قطعه کرده و هر قطعه ای را بهای عیش و نوش و آقائی و حکمرانی خود بفارترگران بین المللی میفروشند ولی مردم ایران علی رغم تمام پستی و بلندی هائی که در راه مبارزه حق طلبانه خود پیموده و امروز یکی از مراحل بسیار دشوار آنرا طی میکنند یقین دارند روزی خواهد رسید که این بدن پاره پاره شده یعنی سرزمین ایران باجسم واحدی تبدیل خواهد شد وحاکم بر آن فقط و فقط مردم ایران خواهند بود. م. آزاد مرد

یکقدم تا سقوط نهائی

نبرد جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی با رژیم دست نشانده سایگون و با حامیان آمریکائی آن وارد مرحله جدیدی شده است. رژیم سایگون، در پیچ و خم تضاد های داخلی و غیر قابل حل خود، زیر فشار مبارزه توده های مردم و زیر ضربات درهم شکننده جبهه آزادی بخش ملی، در شرف انهدام کامل است. چند هفته پیش برای هفتمین بار ملی مدت کوتاهی در سایگون کودتای نظامی شد و گروهی از ژنرالهای ویتنام جنوبی، «دشورای ملی، ویتنام را منحل و اعضاء آنرا زندانی کردند. این کودتا که منجر به انحلال یک «سازمان» مورد علاقه مقامات آمریکائی در سایگون شد، بحران جدیدی در ویتنام جنوبی بوجود آورد که معلوم نیست پایان آن چه خواهد بود. از بحث در جزئیات حوادث بگذریم. نکته اساسی سیرعمومی نبرد در ویتنام جنوبی و دورنمای آنست. امروز حتی خوش - بین ترین سیاستمداران و مفسرین آمریکائی ناگزیر باتترافند که در نبرد ویتنام هرگونه امید به پیروزی را از دست داده اند. بعد از چندین سال نبرد و صرف میلیاردها دلار اکنون امپریالیستهای آمریکائی باین نتیجه رسیده اند، که در ویت نام محکوم

در آستانه سال نو مسیحی، سال ۱۹۶۵، دولت ایران هدیه شاهانه ای بانحصار های نفتی جهان تقدیم کرد. طبق اعلام رسمی دولت، مزایده بخش یک نفتی خلیج فارس، بایان یافت هنوز جزئیات قرار داد منعقد شده انتشار نیافته است. گفته میشود پنج گروه از شرکت های نفتی که از بزرگترین انحصارات نفتی جهان هستند برنده مزایده شناخته شده اند این پنج گروه کمپانی نفتی از بزرگترین انحصارات نفتی جهان هستند. منطقه ای که مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت چهل هزار کیلومتر مربع یعنی باندازه بیش از چهل یک تمام خاک ایران است. هر یک از این گروه ها قسمتی از این منطقه را در اختیار میگیرد و نفت آنرا استخراج میکند اهمیت این قرار داد را روزنامه اطلاعات بدین نحو منعکس کرده: «این بزرگترین مزایده نفتی جهان بود و کمپانیهای که در مزایده شرکت نموده اند عموماً از معتبرترین کمپانی های نفتی جهان بشمار میروند. وزیر صنایع فرانسه بکانوسکی از فرانسه بایران آمد تا هنگام امضای قرارداد در تهرات باشد او در این باره چنین اظهار میکند: «این قرار داد اهمیت فوق العاده ای در سیاست نفتی فرانسه برای صنایع دارد، با آنکه شرکت ملی، نفت و دولت ایران جزئیات قرار داد را انتشار نداده اند ولی از شوق و شغی که وزیر صنایع فرانسه را فرا گرفته میتوان فهمید که این هدیه شاهانه چقدر گرانبها و سخاوتمندانه است. گویا کمپانیهای نفتی در مقابل این هدیه بعنوان انعام (پذیره) بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار بحکومت منصور ده بعنوان چاکر شاه این هدیه را باستان آنها آورده خواهند پرداخت و در ظرف یکی دو ماه به چاه ویل دولت و سازمان برنامه فرو خواهد رفت. دولت سعی کرده است که بپادادن عنوان «مزایده» (بر اساس قانونی که در مورد تقسیم نفت تمام ایران بدوازده منطقه نفتی در سابق در مجلس تصویب شده بود) پرده ای بر روی خیانت تازه خویش بکشد و حقیقت را از مردم ایران پنهان دارد ولی حقیقت این است که علی رغم عنوان قانونی مزایده از مدت ها پیش دولت با کارتللهای بزرگ نفتی بر سر این قرارداد توافق کرده و همان کارتلها هستند که نقشه ظاهری کار «مزایده» را کشیده و بدست یاری عوامل ایرانی خود یعنی شاه، اقبال و منصور نقشه خود را پیش برده اند. انصافاً باید گفت هر قدر شاه و حکومت او نسبت به ملت و میهن ما خیانتکارند بهمان میزان هم نسبت باربایان نفتی خود وفادار و پایدار هستند. شاه مخلوق انحصار های نفتی است این را همه میدانند چه کسی حکومت مصدق را ساقط کردوشاه فراری را بر اریکه سلطنت نشاند؟ شرکت های نفتی، چه نیروئی تمام امپریالیست ها را در مورد ایران بتوافق رساند؟ شرکت های نفتی، چه سیاستی در ایران از ۲۸ مرداد تا کنون حاکم است؟ سیاست امپریالیسم بین المللی که محور اصلی آن در ایران از لحاظ اقتصادی انحصار های نفتی هستند. شاه با بستن چنین قرار دادهائی که بزرگترین ثروت طبیعی ایران را بیعما میدهد از طرفی وابستگی ایران را به امپریالیسم بیش از پیش تشدید میکند و از طرف دیگر بیکم تشنه اقتصاد قریب بورشکست ایران چند قطره میریزد تا از بحران عمومی مالی و اقتصادی کشور بطور موقت جلوگیری کند. سیاست شاه برای حفظ تاج و تخت و حکومت خود عبارت از ذینفع کردن امپریالیسم بین المللی در چپاول و غارت

جهان در آغاز ۱۹۶۵

سال ۱۹۶۴ که سالی سرشار از انواع حوادث بود گذشت و جهان وارد سال نوینی شد، یک بررسی اجمالی وضع اقتصادی در بخشهای مختلف جهان امروز: کشور های سوسیالیستی، کشور های امپریالیستی و کشور های رشد یابنده بهترین نمودار ماهیت پروسه هائی است که در زمان میگردد.

کشور های سوسیالیستی اکنون یک چهارم کسره ارض با یک ثلث جمعیت بشری را در اختیار دارند. سهم آنها در تولید صنعتی جهان به ۴۰ درصد بالغ است. سیستم جهانی سوسیالیستی روز بروز نفوذ بیشتری در سیر حوادث جهان کسب می کند و تحت تأثیر این نفوذ، تاریخ بشریت بیش از پیش رنگینوی بخود می گیرد. در کشور های سوسیالیستی در زمینه تولید صنعتی و کشاورزی، رفاه عمومی، فن، علم، فرهنگ، بالا بردن بهره دهی کار و ثمر بخشی سازمان ها و مؤسسات و غیره هر ساله کامیابیهای تازه تری بدست می آید.

کشور های رشد یابنده نیز روز بروز قدرت و نفوذ بیشتری در عرصه جهان کسب می کنند. اگر در سال ۱۹۱۹ میزان ۶۹٫۹ درصد نفوس بشری در یوغ استعمار بود امروز کمتر از یک درصد آنها در زنجیر استعمار مستقیم امپریالیستی است، اکنون نفوس مستعمرات انگلستان به ۱۵ ملیون، پرتغال به ۱۲ ملیون آمریکا به دو ملیون و ششصد هزار، هند به پانصد هزار، فرانسه به یک ملیون و پانصد هزار بالغ است و آنروز در نیت که آخرین بقایای استعمار، این نگ سیاه تاریخ، زوده شود. با اینحال و علی رغم این رهائی از اسارت مستقیم، امپریالیسم و تقسیم کار بین المللی آن و شیوه های نو استعمارش اثرات شوم خود را بر حیات اقتصادی این کشور ها باقی می گذارد. در حالیکه کشور های رشد یابنده اکنون ۶۷ درصد نفوس جهان سرمایه داری را تشکیل میدهند سهم آنها در تولید این جهان برابر با ۹ درصد است! سهم این کشور ها در بازرگانی جهانی را اگر سال ۱۹۵۰ تا امروز حتی تنزل کرده است: اگر بقیه در صفحه ۲

ورق پاره جدید سازمان امنیت

در کنفرانسی که چند ماه پیش در وزارت اطلاعات تشکیل شد «مسئولین و متخصصین تبلیغاتی» غیر مستقیم اعتراف کردند که تبلیات رژیم شاه توانسته است مردم را فریب دهد و گمراه سازد. ولی بجای اینکه «نقص تبلیغات» را در تهی بودن آن از حقیقت بدانند، از کمی «امکانات مادی» شکایت کردند و سرانجام باین نتیجه رسیدند که برای «آشنا کردن مردم و بویژه هر میهنان خارج از کشور بحقایق اوضاع میهن» بپودجه تبلیغات باید افزوده شود. همین کار را هم کردند. بدین ترتیب است که هر روز نشریه رنگین و مصور جدیدی با چاپ نفیس انتشار مییابد تا «ایران امروز» و «شاهنشاه انقلابی» را بمردم ایران و جهان بشناساند.

ولی از چندی پیش نشریه جدیدی در خارج از کشور بخش میشود که هم از نظر شکل و هم تا حدودی از نظر محتوی با سایر نشریات تبلیغاتی رژیم فرق دارد. این نشریه چند ورق کاغذ کاهی پلی کپی شده ای است که بدوخت نام و بدون امضاء برای دانشجویان خارج از کشور ارسال میشود. بنظر میرسد که گردانندگان نشریه متوجه هستند که اولین سؤال خواننده هر نشریه ای اینست که هزینه این نشریه چگونه تأمین میشود؟ از آنجا که در اولین شماره گفته شده است که این نشریه را «چند نفر ایرانی» مقیم خارج از کشور، که برای «تحصیل و کسب معلومات» بخارج آمده اند منتشر میکنند، مسلم است که نمیتوان چنین نشریه ای را رنگین و مصور و با چاپ نفیس منتشر کرد، چون دانشجوی چنین پولی ندارد. برای اینکه تظاهر به بی پولی کاملاً «صادقانه» باشد، در آخرین شماره ای که بدست ما رسیده نویسندگان هم بسؤال فوق جواب داده اند و هم تقاضای کمک مالی از هم میهنان عزیز، کرده اند! و اما در این نشریه - بر خلاف تمام نشریات دیگر

بقیه در صفحه ۲

کنگره هفتم حزب کمونیست هندوستان

روز ۲۳ دسامبر ۱۹۶۴ کنگره هفتم حزب کمونیست هندوستان بکار خود پایان داد. کنگره ۱۱ روز جریان داشت و طی آن ۵۰۰ نماینده از سازمانهای حزبی سراسر کشور با حضور نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری ۲۵ کشور پیرامون شورای میهمان زندگی و مبارزه حزب و مسائل مربوط به تئوری و پراکتیک جنبش کمونیستی در هندوستان و سراسر جهان شور میکردند.

مهمترین قسمت کار کنگره مربوط بود به تصویب برنامه جدید حزب که وظائف پشاهنگ زحمتکشان هندوستان در آن معین شده است. در برنامه تکامل اجتماعی و اقتصادی هندوستان طی سالهای استقلال تحلیل شده و خاطر نشان گردیده است که احراز استقلال ملی توسط مردم هندوستان در سال ۱۹۴۷ واقعه تاریخی مهمی بود که امکانهای فراوانی برای کشور و خلق صدها میلیونی آن فراهم ساخت. ولی از آنجا که بورژوازی هندوستان پس از روی کار آمدن باجاری سیستمی پرداخت که هدف آن تأمین منافع طبقاتی خود او بود - از امکانات موجود بطور کامل استفاده نشد. نمودار این سیاست عبارت بود از تلاش بورژوازی برای بنیان گذاری اقتصاد مستقل مبتنی بر پایه سرمایه داری. در برنامه تصریح شده است که در هندوستان با وجود کشتیهای که در باره سوسیالیسم میشود - سیستم سرمایه داری ایجاد میگردد - سرمایه داری خصوصی در بخش (سکتور) خصوصی و سرمایه داری دولتی در بخش دولتی. این بدنامی است که تمام تضادها و بحرانهای ذاتی سیستم سرمایه داری و قوانین اساسی آن - و بال رشد اقتصادی کشور است.

در برنامه سپس خاطرنشان شده است که محافل حاکمه بورژوازی هندوستان سعی دارند صنعتی کردن کشور را از کیسه مردم ساده عوامی کنند و سنگینی روز افزون بار آنها بطور عمده از طریق وضع مالیاتهای غیر مستقیم دائم الزامی، پوش این مردم میگزارند. باوجود رشد تولید وضع مادی مردم بهبود نیافته است زیرا سهم بزرگی از ثروتیکه هر سال ایجاد میگردد به بیج طبقات استثمارگر ریخته میشود. در این میان بورژوازی ملیونها دهقان که با فقر موش دست بگیرباندند و در عقب ماندگی بسر میبرند وضع شاقی دارند. توده عظیمی از دهقانان هیچچیز بی زمین اند و در قید وابستگی شدید بر باخواران روستا و مالکان نیمه فئودال قرار دارند. علت این امر آنست که بورژوازی هندوستان بهامت سازش با مالکان و گششت آنها - نمیخواهد باصلاح ارضی دست بزند. در برنامه حزب کمونیست هندوستان ماهیت طبقاتی دستگاه حکومتی هندوستان بعنوان ارکان تسلط طبقاتی تمام بورژوازی ملی تعریف شده و خاطرنشان گردیده است که بورژوازی ملی با مالکان در سازش است و آنها را بخصوص در ایالات در دولت شرکت میدهد و برای آنها از کیسه دهقانان گششت قائل میشود.

در برنامه تصریح شده است که جریان زندگی مردم هندوستان نشان میدهد که در صورت ادامه یافتن راه رشد سرمایه داری کشور نمیتواند از استثمار و فقر و گرسنگی خلاص شوند و باجنبش مردم راه برای رشد کشور مجبوند. این راه بطوریکه برنامه خاطرنشان میسازد راه رشد سرمایه داری است. راه رشد غیر سرمایه داری مقدم بر هر چیز عبارتست از «خروج از راه کنونی رشد سرمایه داری با عواقب مخرب آن» گرچه این عمل معنایش الفه بیدرنگ تمام مناسبات سرمایه داری نخواهد بود. در جریان طی این راه - رشد سرمایه داری بیش از پیش محدود خواهد شد و بدینسان شرایط لازم برای انتقال کشور بهراهی که به سوسیالیسم منتهی میگردد - فراهم خواهد آمد.

در برنامه وظیفه ای هم در زمینه ایجاد جبهه دموکراتیک ملی و دولت دموکراتیک ملی طرح شده است. دولت دموکراتیک ملی تحت رهبری جبهه دموکراتیک ملی نمودار مرحله گذار خواهد بود. در این دولت قدرت حاکمه متفقاً توسط تمام طبقات ذینفع در ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیستی و بر انداختن بازمانده های نیمه فئودالی و محو نفوذ انحصارات اعمال خواهد شد. در برنامه گفته شده است که در جبهه دموکراتیک ملی طبقه کارگر مواضع هدایت کننده خود را در این اتحاد طبقات بیش از پیش تقویت خواهد کرد زیرا مبتکر و موجد جبهه دموکراتیک ملی - همان طبقه کارگر خواهد بود. در نتیجه تکامل جنبش توده ای و انجام تحولات اجتماعی - اقتصادی تناسب قوا دائماً بسود طبقه کارگر و اتحاد طبقه کارگر و دهقانان تغییر

خواهد کرد و بدینسان راه برای تحقق رهبری طبقه کارگر در دولت هموار میگردد و شرایط برای گذار به سوسیالیسم فراهم میشود.

سند دیگری که در کنگره بتصویب رسید قطعنامه سیاسی بود. در این قطعنامه سیاست داخلی هندوستان از لحظه کنگره ششم بعد تحلیل میگردد و از فعالیت حزب طی این دوران نتیجه گیری میشود. کنگره پس از ذکر کامیابیهای مهم مبارزه جهانی در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز و در راه سوسیالیسم خاطر نشان میکند که تضاد اساسی دوران معاصر یعنی تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری بسود سوسیالیسم حل خواهد شد. در قطعنامه سیاست اقتصادی هندوستان تشریح شده است. کنگره در این باره اعتقاد خود را بیان داشته و اظهار کرده است که تعقیب راه تکامل سرمایه داری برای هندوستان موجب افزایش بیش از پیش قیمتها و مالیاتها، کاهش سرعت رشد درآمد ملی، ایجاد بحرانهای خواربار، فقر توده ها و افزایش ثروت محترکین و گرداندن بازار سیاه میشود. گروهی از انحصارگر ضمن تلاش برای تشدید بیش از پیش نفوذ خود در حیات اقتصادی و سیاسی کشور از کلیه وسایل استفاده میکنند برای آنکه دولت را تحت فشار قرار دهند و وادار کنند از برنامه ریزی در رشته اقتصاد ملی دست بردارند و جلوی توسعه صنایع سنگین در چارچوب بخش دولتی را بگیرند. در قطعنامه سپس خاطرنشان میگردد که بمنظور تسریع آهنگ رشد اقتصادی و بهبود اقتصاد هندوستان باید اصلاحات ارضی انجام گیرد. بانکها ملی شود، بازرگانی در رشته غله در انحصار دولت قرار گیرد و صادرات و واردات ملی گردد. این اقدامات در عین حال موجب تثبیت قیمتها و افزایش تولید محصولات کشاورزی خواهد شد.

قطعنامه تحکیم مجدانه بخش دولتی را در اقتصاد تضمین مؤثری برای پیشرفت اقتصادی هندوستان میداند و اهمیت فراوان کمک اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی را برای تحکیم سوسیالیستی کشور خاطرنشان میسازد.

در قطعنامه از اینکه برای نفوذ سرمایه خارجی شرایط هر چه مساعد تری بوجود میآید و این امر به تقویت نیروهای راست در کشور کمک میکند - ابراز نگرانی جدی شده است. کنگره خاطرنشان ساخته است که دولت هندوستان برپایست نخست وزیر شاستری در عرصه بین المللی طرفداری خود را از سیاست عدم تعهد و همزیستی مسالمت آمیز و مخالفت خود را با استعمار حفظ کرده است. عنصر مهم سیاست خارجی دولت عبارتست از دوستی با اتحاد شوروی. در عین حال قطعنامه به برخی گرایشها که در جهت تضعیف جنبه مثبت سیاست هندوستان است و بصورت استکفاف از اعتراض جدی بمأمور های تحریک آمیز ناوگان هفتم در اقیانوس هند و علیه تهاجم آشکار آمریکا به ویتنام و لاوس و کامبوج و کنگو - متظاهر شده است اشاره میکند.

در قطعنامه چگونگی آرایش قوای سیاسی در هندوستان تشریح شده و تشدید خطر راست در کشور و تأثیرات زیانمند عدم حل اختلافات مرزی هندوستان و چین دروضع زحمتکشان - تصریح گردیده است. در عین حال رشد و تحکیم جنبش دموکراتیک کشور نیز خاطرنشان شده است. حزب کمونیست میکوشد احزاب چپ نظیر حزب متحد سوسیالیست، حزب سوسیالیست های انقلابی و احزاب دیگر را بشرکت در جبهه دموکراتیک ملی جلب کند ولی در عین حال ضرورت انتقاد شدید از موهومات ضد کمونیستی بخشی از رهبری «حزب سوسیالیست انقلابی» و تمایلات آنها به اتحاد اپورتونیستی با احزاب راست را نیز تأکید مینماید. در قطعنامه گفته شده است که حزب کمونیست هندوستان با صبر و حوصله خواهد کوشید تا «حزب مواری کمونیست هندوستان» را که اخیراً توسط عناصر چپ، بوجود آمده است بشرکت در اقدامات تودماری جلب کند و در همان حال ایدئولوژی نادرست، سیاست و شیوه های تشکیلاتی نادرست آنرا نیز فاش میسازد. فقط از این راه است که حزب کمونیست هندوستان میتواند کسانی را که موقتاً صفوف آن را ترک گفته اند به حزب بازگرداند.

در خاتمه قطعنامه اظهار امیدواری شده است

بقیه از صفحه ۱ در باره مسئله صنعتی کردن ایران

خواهد ماند و رقابت خارجی و باز بودن دروازه - های کشور باین سرمایه گذاری ها میدان وسیع نخواهد داد و در نتیجه عقب ماندگی ما باز هم بیشتر خواهد شد. کار صنعتی کردن کشور کمرشده چون ایران باید بر پایه اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری، بر پایه بسط بخش سرمایه - گذاری دولتی استوار شود، که شرط اساسی تراکم برای آن موجود است: همین ۶۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی کنونی نیز، که به مراتب کمتر از ظرفیت کشورست، مقدماً برای سرمایه گذاری در رشته توسعه صنایع کافیست. حسامی منصور روز اول اردیبهشت ۱۳۴۳ ضمن نطق خود در مجلس گفت که تنها عایدات ایران از محل نفت در طول ۵ ساله برنامه سوم جمعاً ۲۴۴۰ میلیون دلار (معادل ۱۸۳۰۰۰ میلیون ریال) خواهد بود.

صنعتی کردن يك کشور کمرشده مستلزم ایجاد بنیاد فنی و مادی یعنی احداث صنایع اساسی و کلیدی و بهره برداری وسیع از معادن و منابع طبیعیست. این کار باید بر پایه برنامه جامع و هماهنگ و منطبق بر اصول علمی و مطابق با هدفهای اقتصادی سودمند برای مردم کشور انجام گیرد. صنایع اساسی و کلیدی برای کشور کمرشده ایران عبارتست از صنایعیکه بتواند در درجه اول بر پایه منابع طبیعی کشور توسعه یابد و تولید کشاورزی را پیشرفت دهد. بنا بر این - صنایع ذوب آهن، ماشین سازی و پتروشیمی میتواند اساس صنایع ایران را تشکیل دهند. طبیعیست که احداث این صنایع باید با الکتریفیکاسیون روز بروز وسیعتر همراه باشد.

صنعتی کردن کشور با فعالیت بانکی و با بازرگانی خارجی ارتباط مستقیم دارد. مادامیکه

که نیرو های دموکراتیک هندوستان با برقراری اتحاد میان خود کشور را بشماره ترقی و تعالی سوق دهند. در قطعنامه مسائل ایدئولوژیک که در کنگره بتصویب رسید اهمیت تاریخی قرار های کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی برای جنبش جهانی کمونیستی خاطر نشان گردیده و ضمن آن گفته شده است که درک صحیح ماهیت دوران کنونی برای تنظیم استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی اهمیت زیاد دارد. . . کنگره تمام تر های تئوریک را که در آن تضاد میان سرمایه داری و سوسیالیسم بعنوان تضاد اساسی جامعه معاصر شناخته نشود مردود اعلام کرده است. قطعنامه میگوید این ادعا بکلی نادرست است که گویا همزیستی مسالمت آمیز معنایش فنی مبارزه طبقاتی و آشتی کردن با امپریالیسم است. همزیستی مسالمت آمیز بر عکس برای مبارزه طبقه کارگر و ملل مبارز راه آزادی ملی شرایط مساعد فراهم میسازد.

در قطعنامه از کمکه های مادی و معنوی اتحاد شوروی و مجموعه اردوگاه سوسیالیستی بکشور های در حال رشد بعنوان عامل مهم در مبارزه این کشور ها علیه امپریالیسم و استعمار یاد شده است. در قطعنامه از احکام مصرحه در اسناد جلسات مشوره احزاب کمونیست و کارگری پشتیبانی شده است. قطعنامه سپس دکماتیسم و روزیونیسم و انحراف سکتاریستی چپ را بعنوان مانعی برای رشد هر چه بیشتر جنبش کمونیستی - مورد انتقاد شدید قرار داده است. کنگره از پیشنهاد تشکیل جلسه مشاوره جهانی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری با قطعیت پشتیبانی کرده و صادقانه اظهار امیدواری نموده است که این جلسه در امر احیاء وحدت جنبش جهانی کمونیست بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری بکامیابی برسد.

ترجمه و تلخیص از روزنامه «پرودا»

فعالیت بانکی عرصه تاخت و تاز سرمایه های انحصاری است و عدم تعادل بازرگانی خارجی، که نتیجه مستقیم تسلط امپریالیست بر شئون مختلف حیات کشور است، واردات کشور را به بیش از ۶ برابر صادرات میرساند و دروازه های کشور بر روی انواع کالاهای زائد و یا کالاهایی که مشابه آن در داخل کشور تولید میشود باز است. تجدید تولید وسیع در مقیاس تمام صنایع کشور امکان پذیر نخواهد بود. برای صنعتی کردن باید سیاست محکم حمایت از صنایع داخلی در پیش گرفته شود. طبیعیست که در دوران صنعتی کردن محدودیت های معینی در مورد برخی کالاها بوجود میآید و شاید برخی ویرانه های مغازه های تهران رنگینی کنونی خود را از دست بدهد ولی در عوض اقتصاد کشور روز بروز قوی بیه تر و افق آن رنگین تر خواهد شد.

در چنین شرایطی برای سرمایه گذاری خصوصی ملی نیز امکانات بیشتر و عرصه وسیعتری پدید خواهد آمد و این سرمایه ها تأمین بیشتری پیدا خواهند کرد. ولی در عین حال سرمایه های خصوصی باید از طرف يك دولت ملی و دمکراتیک (که رهبری صنعتی کردن را بر طبق برنامه علمی جامع بدست خواهد داشت) به مجرائی سوق داده شود که باجاری طرحهای اساسی صنعتی کردن کمک کند و در واقع مکمل آن باشد. در چنین چارچوبی فعالیت سرمایه های خصوصی نه تنها زیان ندارد بلکه سودمند هم میتواند باشد. انجام این امر خطیری البته مستلزم آنست که يك دولت واقعاً ملی بر سر کار باشد و رهبران آن دولت نیازمندهای واقعی اقتصادی و اجتماعی جامعه را درک کنند و ایران را در مسیر رشد غیر سرمایه داری سیر دهند. ولی حیات اقتصادی کشور ما در دوران تسلط رژیم موجود بدست زمامدارانی بوده است که حتی باعتراف خودشان از القیای اقتصادی اطلاع نداشته اند و تنها تأمین منافع آزمندانده، فردی و طبقاتی و منافع حامیان امپریالیستی مطمح نظر آنهاست. علم که قریب ۲۰ ماه نخست وزیر شاه بود و در گزارش اقدامات ۱۵ ماهه دولت خود مدعی انجام انقلاب بزرگ در زمینه اقتصادی بود روز ۱۳ شهریور ۱۳۴۲ ضمن سخنرانی در جلسه ماهانه بازرگانان و صاحبان صنایع گفت: «همانطور که عرض کردم من فکر نمیکردم که در این جلسه عرایض بکنم. بچند دلیل: اول آنکه در امور اقتصادی بی بهره هستم!! حسامی منصور هم گرچه همه جا از تخصص اقتصادی خود دم میزند ولی فعالیت یکساله دولتش نشان میدهد که بر سلف خود رجحانی ندارد.

رژیم شاه گورستانی از عده های پوچ پدید آورده و عقب ماندگی کشور ما را با این عده ها روز بروز بیشتر کرده است. مانع اساسی صنعتی شدن ایران امپریالیسم و رژیم دست نشانده آنست. مشکل صنعتی شدن بدست يك دولت ملی و دمکراتیک حل خواهد شد.

بقیه از صفحه ۴

هزینه زندگی

هر وقت فریاد مردم از گرانی هزینه زندگی به آسمان رسیده است، دولتهای ضد ملی کودتا بجای هر اقدام اساسی بجان کسبه کوچ و بازار افتاده و بجای حبس و جریمه و آزار آنان مردم را سرگرم نموده اند. اکنون بهوجب خبر روزنامه کیهان «ارزش و شهرداری برای مبارزه با گرانی فروش برنامه مشترکی ترتیب داده اند. اما این «مبارزه مشترک ارزش و شهرداری» هم مانند مبارزات دولتهای زاهدی، علاء، اقبال، شریف امامی، آملی، علم میانی تهی و فریادگانه است. سیر صعودی قیمتها، علل معین اقتصادی دارد که تا این علل بر جا است افزایش قیمتها امری حتمی و ناگزیر است. برای تقلیل قیمتها و مبارزه با گرانی سیاست صحیح اقتصادی لازم است که اتخاذ چنین سیاستی کار دولتهای ضد ملی نیست. این دولتها منتخب شاه هستند که خود کارگزار انحصارات امپریالیستی و مجری سیاست مخرب آنها است. تا این رژیم و این دولت ها بر سر کارند انتظار گشایش در زندگی مردم نباید داشت.

عطارد

مردم

فرماندهی و مدیریت

در باره مسئله صنعتی شدن ایران

هزینه زندگی

۸

بحث در باره راه رشد اقتصادی ایران بطور اعم و صنعتی کردن کشور بطور اخص مدتیست در محافل دولتی و مطبوعات ایران ادامه دارد. در این میان محافل و افراد مختلف مسئله صنعتی کردن را بمفاهیم مختلف درک میکنند و مطابق با درک خود راه‌های مختلفی برای آن پیشنهاد میکنند. دولت منصور توسعه و تشویق سرمایه گذاری خصوصی یا «سپردن کار مردم بدست مردم» را حلال «صنعتی کردن» ایران میدانند، آقای دکتر ارسنجانی در مخالفت با این نسخه راه حل «سوسیالیسم دمو-کراتیک» را در عین حفظ مواضع اساسی امریاد لیسم در اقتصاد و سیاست کشور - تجویز میکند، آقای ارسلان خلعتبری سرمایه داری بشیوه غرب را برای رفع عقب ماندگی ایران صلاح می‌شمارد، آقای دکتر عبده در پرده طرد و نفی هرگونه ایدئولوژی برای کشور در حال رشد بمدد ارسلان خلعتبری می‌شتابد و طرح ایدئولوژی خود را در مورد اثبات سودمندی شیوه سرمایه داری امریکائی یا راه پراگماتیستی در اقتصاد عرضه می‌دارد. اخیراً مجله «اطاق صنایع و معادن» ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «برای صنعتی شدن کشور چه باید کرد؟» راه حد وسطی را انتخاب کرده و شرط اساسی صنعتی شدن ایران را «همبستگی بین سرمایه گذاری خصوصی در صنایع» توصیه کرده است، که گرچه متضمن برخی نکات صحیح است ولی چون مسئله را بطور مجرد یعنی بدون ارتباط با سیاست و ماهیت مشخص رژیم کنونی طرح کرده طبعاً نتوانسته است به نتایج صحیح برسد.

مسئله صنعتی کردن ایران، که شاه و سایر نمایندگان هیئت حاکمه تازه بصرافت آن افتاده‌اند، سالها است یکی از هدف‌های اساسی مبارزه نیروهای ترقیخواه ایران است. علت توجه روزافزون طبقات و قشرهای مختلف جامعه ایران باین مسئله کاملاً روشن است. مین ما در اثر سیاستهای خائنانه جمعی زمامدار مزدور از دوران سلاطین قاجار تا کنون روز بروز بیشتر از قافله ترقی و تمدن جهانی عقب مانده است. در اواسط قرن نوزدهم هنگامیکه ایران برای همپا شدن با ملل راقیه از بسیاری مقدمات لازم برخوردار بود سلاطین قاجار باتبعیت از استعمارگران بیگانه آقندر جلوی تکامل جامعه را گرفتند تا کشور ما فرسنگها از کاروان ترقی ممالک اروپائی عقب ماند. محمد رضا شاه در دوران سلطنت خود این رسالت ننگین را ادامه میدهد و از برکت رژیم ضد ملی او اکنون ایران دارد از بسیاری از کشورهای آسیائی و افریقائی نیز باز میماند.

آقای دکتر حسین پیرنیا ضمن مقاله‌ای در شماره ۷-۸ مجله «تحقیقات اقتصادی» نوشته است: «چون افزایش جمعیت ایران بیش از ۲ در صد در سال است باید توسعه اقتصادی جامعه ما اقلاً ۲۵ در صد در سال باشد تا وضع عمومی اقتصادی و زندگی مردم از آنچه که هست بدتر نشود.» بطوریکه دکتر عالیخانی در فروردین سال ۱۳۴۳ ضمن مصاحبه مطبوعاتی خود اعتراف کرد «در حالیکه طی دهسال گذشته مبلغ ۲۵۰ دلار بر عایدی هر فرد در کشور های رشد یافته

افزوده شده در کشور هائی نظیر کشور ما این مبلغ تنها ۱۷ دلار یعنی قریب یک پانزدهم بوده است.» برای اینکه کشوری بتواند در سال ۶۰ در صد بر درآمد ملی خود اضافه کند طبق محاسبه اقتصاد دانان باید از ۱۲ تا ۲۴ درصد درآمد ملی سالانه سرمایه گذاری کند. آقای پیرنیا در همان مجله پیشگفته در اینباره می‌نویسد: «با توجه باینکه حتی ۱۲ درصد سرمایه گذاری از درآمد ملی برای اغلب کشورهای کمرشد مقدور نیست دشواری ۶ درصد رشد سالانه بخوبی آشکار میشود.» با چنین توصیفی شاه و نخست وزیرانش در تمام سالهای تسلط رژیم موجود هر سال صدها بار اعلام کرده اند که: «در آینده نزدیکی چنان جامعه پیشرفته و استواری بوجود خواهد آمد... که مورد غبطه سایرین واقع شود و ما بنوبه خود بتوانیم... دست دیگران را بگیریم و به آنها مساعدت کنیم» (از نطق شاه در مراسم، اول مهر ۱۳۴۱). «تا ۵ سال دیگر جامعه ما مسلماً مورد غبطه ۹۵ درصد تمام ممالک دنیا خواهد بود» (از نطق شاه در اقامتگاه دهقانان نماینده کنگره روستائی، ۲۰ دی ۱۳۴۱). از تاریخ این نطق ۲ سال گذشته است و با «سرعتی» که شاه برای پیشرفت کشور ما تأمین کرده است ما در این زمینه هر سال حد اقل ۱۵ سال از کشورهای پیشرفته عقب میمانیم!!

پس مردم ایران حق دارند از چنین عقب ماندگی موحش و روز افزون نگران باشند. ولی آیا برای رفع این عقب ماندگی هیچ راهی وجود ندارد؟ چرا. ایران یکی از کشورهای معدودیست که ترکیب مساعدی از غنی ترین منابع طبیعی نفت و گاز و آهن و بسیاری از

زندگی و مبارزه صیادان

در ماه گذشته ماهیگیران دریای خزر برای ادامه حیات خود دست بمبارزه وسیعی زدند. آنها بعد از اعتصاب در تلگرافخانه متحصن شدند و تلگرافهائی برای مقامات مسئول و غیر مسئول متخبره کردند. سربازان با سرنیزه های خود آنها را مجروح کردند و از تلگرافخانه راندند، ولی صیادان مجدداً به تلگرافخانه بازگشتند و باعتصاب خود ادامه دادند.

در این مبارزه همسران آنها نیز در شهر تظاهراتی کردند و برای پشتیبانی از نان آوران خود بتلگرافخانه آمدند. پلیس آنها را نیز پراکنده و مجروح ساخت. همسر یکی از ماهیگیران که باردار بود در تلگرافخانه کودکش را از دست داد.

صیادان آزاد چه میگویند و چه چیزی آنها را وادار بجنگش و حرکت کرده است؟ این روزها ماهیگیران دریای خزر که بزحمت دستشان بدهانشان میرسد بکلی از هستی ساقط شده اند. پیمانکاران شیلات بدولت رشوه کلانی داده اند تا بدین بهانه که نسل ماهی در خطرست نگذارند این صیادان بدریا بروند. بکمک اسلحه و قایقهای موتوری تور ماهیگیری را از آنها گرفته اند، نسل ماهی در خطر نیست، بلکه نسل صیادان آزاد در خطر است.

گرانی هزینه طاقت شکن شده است و با شروع زمستان سرد و سخت بهای اکثر کالاهای مورد نیاز مردم بیش از پیش افزایش یافته است. بیکاری روز افزون، قلت درآمدها و ترقی قیمتتها زندگی طبقات زحمتکش را تلخ و دشوار نموده است. با آنکه دولتهای شاه هر یک در آغاز کار وعده تثبیت قیمتتها و کاهش هزینه زندگی را داده اند اما سیاست غلط اقتصادی همین دولتهای ضد ملی، عامل اصلی گرانی و افزایش هزینه زندگی بوده است. سیر قیمتتها در فاصله سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۴۳ حاکی از آنست که طی این دوران هزینه زندگی بیش از دو برابر افزایش یافته است.

معدنیات دیگر را همراه با میلیونها هکتار زمین بایر قابل کشت آسان در خود جمع دارد. حتی در شرایط تاراج امپریالیستی ثروتهای کشور اکنون ایران سالانه بیش از ۶۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی دارد. با این منابع میتوان کشور را بسرعت در راه صنعتی شدن سوق داد و حد اقل در طول ۱۰-۱۵ سال آهنگ بسیار سریعی را برای رشد اقتصاد کشور تأمین کرد.

شرط اولیه اساسی لازم برای صنعتی کردن تراکم سرمایه است. مداخلات و غارت امپریالیستی طی سالیان متمادی مانع آن بوده است که اقتصاد سرمایه داری ایران راهبر که کشور-های غربی پیموده اند طی کند. یکی از عواقب این غارتگری فقدان تراکم لازم سرمایه های بزرگ در دست سرمایه داران ایرانی است. صنعتی کردن در جهان کنونی، که بار دیگر انقلاب فنی بزرگ در آن انجام میگیرد و سیرتیک و ماشینیهای الکترونی بر عرصه تولید و اقتصاد حاکم میشوند، نیازمند تراکم سرمایه های کلان است. طبیعتست که در نیمه دوم قرن بیستم، برخلاف تزی که شاه و دولت منصور و همفکرانشان پیشنهاد میکنند، با سرمایه گذاری خصوصی مسئله صنعتی کردن کشور در همان کوره راه صنایع مصرفی سبک سر درگم بقیه در صفحه ۳

پیمانکاران شیلات با وسائل موتوری. با تورهای چند کیلومتری هر بار ده هزار ماهی خرد و کلان میگیرند، در حالیکه ماهیگیران در سال با زحمت در حدود ۳۵۰ ماهی صید میکنند. این پیمانکاران که با جبار و جنجال میگویند نسل ماهی در خطر است حتی با رشوه ای که داده اند رودخانه هائرا که ماهی برای تخم گذاری وارد آب شیرین آنها میشود نیز اجازه کرده اند. مأمورین دولت بجای آنکه جلوی رشوه را بگیرند، مانع قاچاق خاویار رؤسای شیلات شوند و بحرهای این قشر زحمتکش گوش دهند، مثل همیشه با زندان و سرنیزه بجان آنها افتاده اند. معلوم نیست وقتی صیاد بدریا نرود، وقتی قلاب ماهیگیرش را از دست بدهد، چه باید بکند، کجا باید کار کند و چگونه خود و خانواده اش را سیر نماید.

در این مناطق هم اکنون گرانی پیدا میکند، هیچ بقالی بخیریداران نسبه نمی‌فرشود و نه کسی بکسی قرض میدهد. همسر یکی از ماهیگیران میگفت: «برای من فقط یک اردک مانده بود، آنرا به ۹ تومان فروختم و پنج روز بچه ها را نیم سیر نگهداشتم، اما امروز آنها خواهند مرد» ولی آنها نباید بمیرند، باید دولت و شیلات را وادار کرد که بحرف حق صیادان آزاد گوش کنند و برای همین است که ماهیگیران مقاومت جمعی

آمار منتشره در مجلات اقتصادی ایران و اخبار روزنامه‌ها نشان میدهند که چطور طی این ۱۱ سال هفته بهفته و ماه بماه بر قیمت کالاهای مورد مصرف عموم افزوده شده است. مطبوعات تهران اعتراف میکنند که «قیمت اجناس در ایران از اکثر کشورهای دیگر گرانتر است» با توجه باینکه میزان سرانه درآمد ملی در ایران دو شمار نازلترین سطح است.

در سالهای ساطه رژیم کودتا، هرج و مرج اقتصادی، نظامی کردن کشور، باز گذاردن دروازه‌های مملکت بر روی کالا و سرمایه خارجی، فقدان سیاست صحیح مالی، کاهش ارزش ریال و تورم پول از عوامل اصلی افزایش سرسام آور هزینه زندگی بوده است. علاوه بر آن در این دوران کراراً دولتهای مخلوق شاه برنرخ مالیاتهای غیر مستقیم از طریق افزایش بهای کالا های انحصاری مورد مصرف عموم افزوده اند و این امر خود بلافاصله موجب گرانی سایر کالاهای مصرفی شده است. مثلاً افزایش بهای محمولات پستی، حمل و نقل راه آهن، فرآورده های نفتی، قند و شکر که همه در دوران تسلط رژیم کودتا صورت گرفته، پیوسته گرانی کالاها را بدنبال داشته است. اکنون نیز در بجهوه یک گرانی طاقت فرسا، دولت منصور، بمنظور تحقق هدفهای عالی انقلاب، بر بهای فرآورده های نفتی یعنی بر مالیات غیر مستقیم افزوده است. همانطور که برخی از چرایید ایران پیش بینی نموده اند ترقی بهای فرآورده های نفتی، ناگزیر موجب گرانی بیشتر سایر کالا های مورد مصرف عموم خواهد شد و تضمینهای مکرر دولت در این زمینه، جز مردم قریبی نیست. مردم فراموش نکرده اند که افزایش قیمت فرآورده های نفتی در دوران نخست وزیری اقبال چطور از علل مؤثر گرانی بعدی کالا های مصرفی شد.

افزایش هزینه زندگی بخصوص در مقایسه با میزان درآمد طبقات زحمتکش شایان توجه است. در حالیکه قیمتتها در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیش از دو برابر افزایش یافته، درآمد طبقات مختلف مردم ثابت مانده، کاهش یافته و یا افزایش اندکی داشته است. بموجب آمار بانک مرکزی از ۲ میلیون جمعیت تهران، درآمد ماهانه ۷۶ درصد خانواده ها کمتر از ۷۳۰ تومان است. اگر متوسط این درآمد را ۳۰۰ تومان و تعداد افراد خانواده را ۵ نفر حساب کنیم بهر عضو خانواده در ماه ۶۰ تومان میرسد که با این ۶۰ تومان باید گوشت کیلویی ۱۰۰ ریال، ماهی دانه ای ۳۵۰ ریال، روغن کیلویی ۲۴۰ ریال، تخم مرغ دانه ای ۵ ریال خرید، علاوه برآنکه از همین محل مال الاجاره سنگین خانه مسکونی، مصارف پوشاک، سوخت و روشنائی، هزینه ایستاد و نهب و مخارج گران توفصیلی فرزندان خانواده باید تأمین شود. تازه این روزگار خانواده های پایتخت نشین است که سطح درآمد آنان بالاتر از سایر شهرهاست. چهار میلیون مردم ولایت زندگی بمراتب دشوار تر و محدود تر از مردم تهران دارند و ۱۵ میلیون روستائی حتی از حداقل خوراک و پوشاک محروم اند و با نان خالی هم نمیتوانند شکم خود و فرزندان خود را سیر کنند.

میکند، دست بدست داده اند و مبارزه مینمایند و از دولت و مجلس میخواهند که بخواست های عادلانه آنها توجه کنند.

ماهیگیران میدانند که ماهی در دریافراوان است، میدانند که اظهارات دولت فقط بشفع بیمان-کاران است که میخواهند باز هم بیشتر انحصار صید را در دست خود تمرکز دهند، قیمتتها را بدون هیچ مانعی بالاتر برند، بکارگران ماهیگیر مزد کمتری بپردازند و باین ترتیب زندگی مردم زحمتکش و همچنین اهالی بنادر را که خوراک اصلیشان ماهی است باز هم بدتر کنند، والا این دولت ضد ملی قادر نیست بشفع مردم، یا برای حفظ ثروتهای طبیعی کشور کار درستی انجام دهد. این کوشش ماهیگیران برای اتحاد و مبارزه کوشش بجائی است.

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

نمایندگان ۷ میلیون دانشجو در سراسر جهان

کنگره در عین حال بار دیگر نشان داد که اتحادیه بین المللی دانشجویان بزرگترین و دموکراتیک ترین سازمان بین المللی دانشجویان است و بحق مظهر تمایلات صلح جوینان آزادی طلبانه و ترقیخواهانه وسیع ترین قشر های دانشجویی بشمار میرود. اینکه در فاصله بین کنگره هفتم و کنگره هشتم یعنی طی دو سال ۱۴ سازمان دانشجویی عضویت اتحادیه بین المللی دانشجویان را پذیرفته و اینک بیش از هفت میلیون دانشجو در سراسر جهان در اتحادیه متشکل شده اند بهترین نشان حقیقت و قدرت اتحادیه بین المللی دانشجویان است. هشتمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان پس از بررسی و جمع بندی فعالیت سازمان های عضو بطور اخص و جنبش دانشجویی بطور اعم به این نتیجه رسید که علیرغم مشکلاتی که از جانب دولتهای امپریالیستی و رژیم های وابسته به آنها بر سر راه تحصیل آزاد و دموکراتیک دانشجویان وجود داشته و دارد، علیرغم قربانیاتی که دانشجویان در مبارزه عادلانه خود داده اند، جنبش دانشجویی در سراسر جهان به پیروزی های جدیدی نائل آمده است. هشتمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان بار دیگر تأیید کرد که دانشجویان بعنوان جزئی از ملت خود سهم مهمی در جنبش صلح طلبانه و آزادخواهانه ملت ها دارند. کنگره فعالیت پر ثمر دانشجویان سراسر جهان را در این زمینه ستود و پشتیبانی کامل خود را از این فعالیت و مبارزه عمومی ملت ها بخطر صلح، آزادی و ترقی اعلام داشت.

اتحادیه بین المللی دانشجویان که همیشه توجه خاصی بمبارزه دانشجویان ایران مبذول داشته و همواره از بیکار آنها در راه آزادی و استقلال ملی بیدریغ پشتیبانی کرده است، در هشتمین کنگره خود نیز بار دیگر این پشتیبانی و همبستگی را بهترین وجهی ابراز داشت. کنگره نه فقط طی قطعه ای که با اتفاق آراء بتصویب رسید، رژیم شاه را بعنوان یک رژیم ضدملی، ضددموکراتیک و وابسته به امپریالیسم محکوم کرد و پشتیبانی کامل خود را با مبارزه مردم و دانشجویان ایران بر ضد رژیم شاه اعلام داشت بلکه در مورد وقایع اخیر ایران نیز اظهار نظر روشن و قاطع کرد. کنگره تصمیم مجلس و دولت ایران را در باره گرفتن قرضه دوست میلیون دلاری از آمریکا و اعطای مصونیت سیاسی بمشتران نظامی آمریکا ضد ملی و ضد دموکراتیک شمرد و آنرا محکوم کرد. کنگره طی تلگرافی خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، که به اتفاق آراء بتصویب رسید، خواستار آزادی فوری آیت اله خمینی شد. کنگره در روز ۱۶ آذر (هفتم دسامبر) که از طرف اتحادیه بین المللی دانشجویان بعنوان روز همبستگی با دانشجویان ایرانی اعلام شده است، تلگراف دیگری را خطاب بشاه و دولت ایران بتصویب رساند و ضمن آن با اعلام همبستگی هفت میلیون دانشجو در سراسر جهان با مبارزه عادلانه دانشجویان ایرانی، آزادی استادان و دانشجویان زندانی

باز گرداندن دانشجویان اخراج شده از دانشگاه، لغو تصمیم در باره عدم تمدید گذرنامه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، اعاده استقلال دانشگاه و حقوق دموکراتیک را خواستار شد. اعلام همبستگی نمایندگان بیش از هفت میلیون دانشجوی سراسر جهان با مبارزه دانشجویان و مردم ایران بر ضد امپریالیسم و استبداد از یکطرف امید و نیروی جدیدی به هم میبانش دانشجویان ما میدهد تا در مبارزه دشوار خود، قاطع تر و فعال تر باشند و از طرف دیگر دانشجویان ایرانی را موظف میکند که پرچم مبارزه را افراشته تر نگاهدارند، صفوف خود را متشکل تر و متحد تر سازند تا خود و ملت خویش را درخورد این پشتیبانی و همبستگی نشان دهند و مقام شایسته خود را در جنبش پر توان و پیشروی دانشجویان جهان همچنان حفظ کنند.

بقیه از صفحه ۱

اعتصاب بزرگ تاکسی رانان

بزرین عاید تاکسی رانان میشود از جیب مردم جبران کند. ولی این جیب را مدتهاست که هشت حاکمه ایران دستبرد زده و چیز زیادی برای صاحب آن باقی نگذاشته است. از اینجهت اعتصاب تاکسی رانان ایران را باید عملی کاملاً حق طلبانه بشمار آورد. وزارت کار و شهرانی در اعلامیه عوام - فربانه ای که بر علیه اعتصاب رانندگان صادر کردند مدعی شدند که گویا افزایش مالیات و عوارض نفت و بزرین «برای تأمین اعتبارات لازم جهت اجرای برنامه های عمرانی کشور» است و لازمه «جهاد ملی» است. اما همه کس میداند که اینها عنوان جدیدی برای غارتگریهای جدید است. رای آنکه اعتبارات لازم جهت اجرای برنامه های عمرانی بدست آید یک راه ملی بیشتر وجود ندارد: طرد امپریالیست ها از کشور، قطع غارتگری آنها، ملی کردن منابع زیرزمینی ایران، شکستن قیود کهنه اجتماعی که مانع بزرگ راه ترقی است، ولی آزاد کردن استعداد و قریحه توده های خاق، ولی رژیم کودتا که دست امپریالیست ها را در غارت ثروتهای ملی ما باز گذاشته و پاسداری نظامات پوسیده اجتماعی را بعده گرفته است سال بسال بر مالیاتهای غیر مستقیم میافزاید و هر چند گاهی به عنوان تازه ای برای مسکین رفق مردم دست میزند. رژیم کودتا می خواهد کسری بودجه خود را از قبل توده های زحمتکش تأمین کند.

حکومت مخلوق شاه بلند کردند: آقای سید محمد هادی حسینی میلانی که از علمای ساکن مشهد هستند ضمن اعلامیه ای بتاریخ ۱۸ آبانماه خطاب بعلما می قم و تهران چنین می نویسد: «عبارت نسبت بمعظم له (مقصود آیت اله خمینی است) که یکی از مراجع تقلید و مصونیت قانونی دارند و از شخصیهایی بزرگ اسلامی میباشد قوتیهای ناروایی میزند و بی احترامی مینماید. اولیای یگانه امور بدانند ایشان تنها نیستند بلکه لسان ناطق همه مجامع روحانی و دینی هستند و گفته ایشان کلام حق و حقیقت است. علاوه بر آیت اله میلانی جمع کثیری از روحانیون بنام مشهد و تبریز در تلگرافهای عذیبه ای خطاب به آیت اله شریعتمداری و آیت اله مرعشی به تبعید غیرقانونی آیت اله خمینی سخت اعتراض کرده اند. سازمانهای مرفقی و اجتماعی ایران نیز علاوه بروحانیان پشتیبانی خود را از مبارزه آیت اله خمینی علیه قانون مصونیت و معافیت مشتران امریکایی اعلام و نفرت و انزجار خود را از تبعید ایشان ابراز داشتند. روزنامه ارگان سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا اعلامیه مسبوطی بتاریخ ۱۸ آبانماه در این باب انتشار داد. روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران ضمن چند مقاله و رادیوی پیک ایران طی چند گفتار مبارزه آیت اله خمینی و روحانیونی را که در راه دفاع از آزادی و استقلال کشور دچار حبس و تبعید و بی احترامی شده اند ستود و رفتار وحشیانه و اقدامات غیر قانونی و غیرانسانی حکومت شاه فرموده ایران را محکوم

بقیه از صفحه ۱

دستبرد کارگران و زحمتکشان ایران

تهران و سایر نقاط از آنهاست. اما توده مردم، آنها را که تعداد شان با میلیون شمارش میشود، حساب جداگانه ای دارند. زندگی ایشان بیش از حتی که عموماً متصور میشود تأسف انگیز است. مطابق آماری که بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال گذشته منتشر ساخت صنایع پارچه بافی ایران در عرض سال مجموعاً ۸۱۶۰۰۰۰۰ ساعت کار تحویل میگرفتند و در مقابل مبلغ ۸۱۶۰۰۰۰۰۰ ریال مزد میدهند. باین طریق مزدبکار ساخته یک کارگر پارچه بافی ایران بطور متوسط ۱۰ ریال است و کارگر اگر روزی ۸ ساعت کار کند روزی ۸۰ ریال و ماهانه قریب

«برنامه های عمرانی» و «جهاد ملی» در نزد او چیز دیگری جز وسیله عوام فربانی نیست. برخوردی که رژیم کودتا با اعتصاب تاکسی رانان کرد یکی دیگر از نشانه های ماهیت ضدملی اوست. بموجب اعلامیه رسمی دولت دستور داده شد که وسائل نقلیه ارتش و سایر سازمانهای دولتی بجای تاکسیهای اعتصابی بکار مشغول شوند. باین طریق دولت یکی از زشت ترین شیوه های اعتصاب شکنی فاشیستی دست زد.

سندیکاهای قلابی نیز که در این جریان به دلای میان دولت و تاکسی رانان مشغول بودند و پیوسته تاکسی رانان را بشکستن اعتصاب دعوت میکردند رسوا شدند. بار دیگر این حقیقت آشکار شد که سندیکاهای مذکور چیز دیگری جز آلت اجرای مقاصد دولت نیستند.

اعتصاب تاکسی رانان در اثر فشار دولت توانست با موفقیت روبرو شود ولی همان تجاری که زحمتکشان ایران از این اعتصاب آموختند موفقیت بزرگی است. اعتصاب تاکسی رانان نشان داد که در برابر مظالم رژیم غاصب شاه باید دست بمقاومت زد و میتوان دست بمقاومت زد. اعتصاب تاکسی رانان بار دیگر ثابت کرد که رژیم شاه هیچ جنبش حق طلبانه ای را تحمل ندارد و هر فعالیت صنفی و حق طلبانه و مسالمت آمیز را با سرنیزه سرکوب میکند. راه نجات ملت ایران در سرنوشتی این رژیم است. باید از کلیه عملیات صنفی و دموکراتیک بمنظور آگاهی و تشکل بیشتر توده های مردم استفاده کرد و زمینه را برای

۲۴۰۰ ریال مزد دارد.

مطابق آماری که وزارت صنایع و معادن در سال ۱۳۳۹ منتشر ساخت در سال ۱۳۳۸ دستمزد متوسط کارگر معین در ایران روزانه ۲۰ ریال بوده است، یعنی کارگر معدن در کشور ما ماهانه کمتر از ۲۰۰۰ ریال دستمزد دارد. حد متوسط دستمزد کارگران معادن گوگرد ۶۹ ریال، حد متوسط دستمزد کارگران معادن سرب ۵۴ ریال، حد متوسط دستمزد کارگر معادن آهن ۷۲ - ۷۳ ریال است. دستمزد سایر کارگران ایران نیز از این حدود متجاوز نیست. اینک هر خواننده ای که باقیمت نان و گوشت و پنیر و با کرایه خانه در ایران سروکار دارد بخوبی میتواند حساب کند که کارگر ایرانی در چه فقر و مشقتی غوطه ور است. این ارقام که از طرف خود دولت منتشر شده است بر افسانه ارتقاء سطح زندگی مردم

بشت با میزند و نشان میدهد که چه تفاوت عظیمی میان واقعیت و میان تبلیغات مربوط به بخیال برقی کولر و چاروی برقی وجود دارد. ولی هنوز ارقام بالا بیان کننده تمام واقعیت زندگی کارگران نیست. باید در نظر گرفت که این ارقام مربوط بزندگی کارگران کارخانه است که وضع بهتری نسبت به دهها هزار کارگر پیشه‌پوری دارند. باید مجموعه دستمزد کارگران را نه فقط براسات کار آنها بلکه بر مجموعه ساعت کار و بیکاری آنها تقسیم کرد. زیرا که در شرایط کنونی ایران در اثر کساد تولید داخلی، تعطیل عده ای از کارخانجات و غیره بیکاری وحشتناکی گریبانگیر کارگران ایرانی است و مزدی که کارگران ایرانی در مقابل روز های کار میگیرند نباید نه فقط بمصرف روز های کار بلکه بمصرف روز های بیکاری نیز برسد. و در آن صورت حد متوسط دستمزد آنان از این هم پایین تر می آید. چندی پیش مدیر عامل شرکت کارخانجات دولتی ایران اظهار داشت که از ۱۵ هزار کارخانجات دولتی ایران ۵ هزار نفر کارگر موقت اند. این بان معنی است که یک ثلث از ۱۵ هزار کارگر کارخانجات دولتی ایران بیش از ماههای معینی در سال کار ندارند و بدون مزد و آنان در ماههایی که از کارخانجات دولتی بیکار میشوند یا اصولاً بیکار میمانند و یا اینکه بکار هائی با دستمزد باز هم کمتر میپردازند. باین طریق دستمزد روزانه آنها اگر در مجموعه سال حساب شود از ارقامی که در فوق ذکر شد باز هم پایین تر است. شما تعداد کارگران بیکار را هم در نظر بگیرید و دستمزدی را که طبقه کارگر ایران در مجموعه خود میگیرد بر این مجموعه تقسیم کنید تا ببینید که چه رقم نا چیز بدست می آید. تبلیغات رژیم شاه هر چه باشد طبقه کارگر ایران وضع طاق فرسای خود را بخوبی حس میکند و برای تغییر آن مبارزه خواهد کرد.

اقدام مشترک عموم نیرو های ملی و ضد امپریالیستی اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشن فکران و سرمایه داران ملی آماده ساخت.

مردم از پیشوایان آزادخواه و

او بنام رهبر شیعیان ایران یاد کرده است، ایشان را متهم کند که مورد مهر و علاقه انگلیس است و با یکسلسله مغالطات سعی کرد سعی افزون بی پایان مردم بانگلیسها را متوجه آیت اله خمینی کند: ما با خواندنیها هم عقیده ایم که انتشار خبر تبعید آیت اله خمینی بطور رسمی اشتباه و خط سازمان امنیت است زیرا این خبر بیکبار مردم را برانگیخت و بهیچان آورد و آتش خشم آنها را که فقط بزور دوست هزار سرباز ارتش و دهها هزار مأمور غلاظ و شداد پلیس و ژاندارمری و یک شبکه وسیع از جاسوسان سازمان امنیت چون آختری وزیر خاکستر نهفته شده است برافروخت اما این اشتغال بپوچ را که چون رادیو لندن آیت الهی را آیت اله خوانده و رهبری روحانی را رهبران شیعیان را رهبر شیعیان نامیده پس آیت اله گویا انگلیسی است (!) نه تنها «نمی پسندیم» بلکه آنرا هم مانند اعلامیه سازمان امنیت «ناشی از اشتباه» خواندنیها میدانیم. شخصیت آیت اله خمینی را اعلامیه سازمان امنیت و بادییه گوئی رادیو لندن بوجود آورده است بلکه این شخصیت را آیت اله خمینی قطعه نظر از مقام روحانی خود از راه مبارزه مستمر علیه حکومت جبار و قانون شکن ایران و از راه دفاع از استقلال و آزادی کشور در مقابل اربابان لیبر و دلار و مزدوران

بطوریکه معلوم است روز ۱۲ آبانماه مأمورین شاه آیت اله خمینی را تحت الحفظ از قم بفردرگاه مهرآباد بردند و از آنجا بمقصود نامعلومی خارج از کشور تبعید کردند گفته میشود که ایشان را بایزیر در ترکیه فرستاده اند. بعید نم نیست زیرا ترکها با دولت ایران در سنتو هم پیمان هستند و با آیت اله خمینی همان رفتاری را خواهند نمود که دولت ایران کرد. آنچه مسلمست آیت اله خمینی را جانی برده اند که از هر نوع آزادی محروم است. این اقدام که مخالف با ابتدائی ترین حقوق افراد و نقض صریح قانون اساسی و حقوق مدنی است سیلی از نفرت و انزجار در بین مردم برانگیخته است جامعه روحانیت را سخت برآشفته و محافل اجتماعی و مترقی با اعتراض شدید و جدی وا داشته است بعضی انتشار اعلامیه سازمان امنیت کسبه و تجار دست بمعطیل بازار و مغازه ها زدند. سازمان امنیت مانند همیشه سبلاخ زور و تهدید متوسل شد و اعلام داشت چنانچه بازار ها و دکان کین را باز نکنند در آنها را گسل خواهد گرفت. گسروهی از مأموران نابکار سازمان شیطانی امنیت بیزار سرازیر شد و طبق معمول بگرفتند و «نفرت نامه» آغاز کرد. جلو چند دکان از بازار بازار ها و دروازه حضرتی را که صاحبان حاضر بیاز کردن و سپردن تعهد نشده بودند تیغه کردند و پشت آنرا خاك ریختند. علاوه بر مقاومت و تظاهرات بازاریان و مغازه دارها که بر حسب سنت بصورت تعطیل بازار اجرا میشود، عده ای از علماء و روحانیون کتبا و شفاها صدای اعتراض خود را علیه

بقیه از صفحه ۴

اعلامیه جلسه مشورتی احزاب کمونیست کشورهای عربی

بعد از آنهمه جنایات وحشت آور آن، یک پیروزی بزرگ مردم است. کمونیست های عراق بر اساس تجارب خوش معتقدند که امروز کشور آنها فقط در صورتی در راه ترقی میتواند قدم گذارد که اتحاد تمام نیروهای ملی و مترقی و دموکراتیزه کردن عراق تحقق یابد. رشد انقلابی جهان عربی در زمانی انجام میشود که سیستم جهانی سوسیالیستی که بر رأس آن اتحاد شوروی قرار دارد به عامل تعیین کننده تکامل بشری تبدیل شده است و عقائد سوسیالیسم علمی واجد اعتبار بی سابقه ای گردیده است.

در این دوران که مشخصه عمده آن گذار از سرمایه داری بسوسیالیسم است، اوج بیشتر انقلابی و تکامل آن با اتحاد نیروهای عمده پروسه انقلابی جهانی پیوند دارد و این نیروها عبارتند از سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش آزادیبخش ملی و جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری، پیروزیهای کشورهای عربی و سایر کشورهای افریقا، آسیا و آمریکای لاتین در زمانی بدست می آید که مبارزه تمام خلقها برای صلح و همزیستی مسالمت آمیز تشدید میشود. آنها صحت ایده های مارکسیسم - لنینیسم را که بشکل خلق در تصمیمات کنفرانسهای ۲۰ و ۲۱ حزب کمونیست اتحاد شوروی و در اسناد مشاورات نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ منعکس گردیده است، تأیید میکنند. شرکت کنندگان در مشاوره صمیمانه مشغولند که مسئله سوسیالیسم، بیش از پیش به امر نه تنها کمونیستها، بلکه همچنین حیطه وسیعتری از انقلابیون و میهن پرستان غیر کمونیست مبدل میشود. این امر با مارکسیسم - لنینیسم معارض نیست، بلکه بالعکس آنرا تأیید میکند و غنی مینماید. تجربه نشان داده است که فقط تنها یک سوسیالیسم علمی وجود دارد که محرک و مهم ترین نیروی آن طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران انقلابیست. این وضع مستلزم آنست که انقلابیون واقعی هر چه بیشتر کوشش کنند تا بهترین وسیله همکاری اتحاد با دمیختگی را در عمل مشترک تمام نیروهای انقلابی، در چنان اشکال سازمانی بیابند که بهترین وجه با هر مرحله اشکال با شرایط و مشخصات وسنت های هر یک از کشورهای عربی تطبیق کند. وظیفه تمام انقلابیون، کمونیستها و غیر کمونیست هاست که ابتکار برادرانه و خلایق را بعد از یک بسط دهند، تا واقعات نوین جهان عربی بحساب آید و هدف آن این باشد که اتحاد تمام نیروهای انقلابی تأمین و تقویت شود. باید هر گونه اقدامی بعمل آید تا تمام مظاهر سواد منقلب و شک میان این نیروها، مخصوصاً تمایلات ضد کمونیستی و همچنین هر گونه سکنتاریسم از سر راه داشته شود. کمونیست های عرب احزاب، سازمانها و جنبش های مترقی جهان عرب را به تبادل نظر دعوت میکنند.

آنها طلب میکنند که کوشش مشترک در راه اتحاد نیروهای انقلابی در تمام کشورهای عربی بسط یابد. در این زمینه حل دموکراتیک مسئله کرد در عراق به ترتیبی انجام شود که با حقوق ملی قانونی خلق کرد تطبیق کند. حل مسالمت آمیز اختلاف مرزی میان الجزیره و مراکش، آزادی تمام زندانیان سیاسی کمونیست و دموکرات در عراق، در اردن، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی و سرانجام استقرار آزادیهای دموکراتیک (من جمله حق آزادی بیان، عقیده، آزادی مطبوعات و آزادی انجمن) برای تمام نیروهای میهن پرست و مترقی، واجد اهمیت فوق العاده فراوانی است. انجام این امور بهترین ملامت را بوجود خواهد آورد تا دسائش و توطئه های امپریالیست ها بشکست مواجه شود و بورژوازی ارتجاعی و همچنین تمام دشمنان سوسیالیسم مغرور گردند.

این بهترین وثیقه است برای تأمین اتحاد عرب براساس مبارزه بفرود امپریالیسم، برای تحکیم دوستی با کشورهای سوسیالیستی برپایه دموکراسی و ترقی اجتماعی. بر این اساس میتوان همبستگی خلقهای عرب را تحکیم کرد و استفاده از این همبستگی پیروزی مبارزه در راه آزادی منطقه عربستان جنوبی و اخراج حقوق حقه اعراب فلسطین را تأمین نمود و توطئه اسرائیل را که تحت حمایت امپریالیستها و در درجه اول امپریالیست های امریکائی است و میخواهد مجرای آب اردن را را تغییر دهد، عقیم گذاشت و سرانجام برای بازگرداندن ثروتهای غارت شده اعراب مبارزه کرد. تجارب مبارزه کشورهای عربی نشان میدهد که تحکیم مناسبات دوستانه و کمک متقابل با اتحاد شوروی و تمام خسانوده سوسیالیستی تضمین بزرگتری است برای کامیابی مبارزه در راه آزادی ملی، بر ضد امپریالیسم، در راه آزادی و ترقی اجتماعی. شرکت کنندگان در جلسه بنام زحمتکشان عرب، همدردی خود را با مبارزه آزادی بخش خلقهای کنگو و ویتنام جنوبی اعلام میکنند. آنها با نهایت شدت هجوم امپریالیست های امریکائی و سایر امپریالیست را بر ضد آزادی و استقلال خلقها محکوم میکنند. تکامل اوضاع در کشورهای مختلف عربی با روشنی و وضوح نقش مهم و مثبت کمونیست های عرب را در رشد جنبش آزادیبخش عرب، در متحد کردن تمام نیروهای انقلابی و مترقی و در یافتن شعار صحیح برای مسائل گوناگونی که زندگی در برابر کشورهای آنها قرار میدهد، نشان میدهد. تمام این امور مسئولیت وجدانی کمونیست های عرب را در قبال خلقها یشان افزایش می بخشد.

بقیه از صفحه ۱

رژیم ترور

گروههای مترقی اینطور وحشیانه مورد تجاوز رژیم قرار گرفته اند، وحدت عمل همه این احزاب و گروهها در برابر رژیم فاشیستی شاه ضروری است. حزب ما از مدت های پیش اقدام و عمل مشترک را برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی پیشنهاد نموده است و امروز در گیاره دار اقدامات جنایتکارانه شاه علیه مبارزان ضد

بقیه از صفحه ۱

یادی از بیست و یکم آذر

بلکه برای تأمین حقوق خود در حدود و ثغور میهن خویش ایران دست به جنبش زدند. رهبران جنبش اتهام فجیع تجزیه طلبی را از همان آغاز رد کردند و در برنامه عمل خود احترام و دبستگی خویش را به تمامیت ارضی و استقلال کشور ایران مصرحاً قید نمودند. هدف جنبش دمکراتیک آذربایجان اجراء اصلاحات اجتماعی در داخل آذربایجان و تبدیل این خطه به پایگاه تحول و تکامل سراسر ایران بود و درست همین جهت کلیه نیروهای ملی و مترقی آنروز و یک اقلیت نیرومند در مجلس بدفاع از این جنبش برخاستند و امر دفاع از جنبش دمکراتیک آذربایجان بامر مشترک اکثریت مردم ایران مبدل گردید. در واقع نیز پس از جنبش آذربایجان نهضت رهایی بخش کشور ما اوج و نیرومندی بیشتری یافت.

ولی حکومت قوام علی رغم قولها و پیمانها، با الهام از امپریالیسم و با مداخله مستقیم شاه این جنبش را در پایتخت و زمستان شوم سال ۱۳۲۶ غرق در خون ساخت. بیکر رشید صدها مرد دلآورد در آکناف خاک پاک آذربایجان و کردستان آذین دارها شد. در سراسر آذربایجان و کردستان دهها هزار نفر آذربایجانی و کرد بگناه دفاع از اصلاحات ارضی، بگناه مطالبه انجمن ابالتی و ولایتی، بگناه مبارزه با امپریالیسم، بگناه مخالفت با دربار پهلوی، بگناه عشق به ترقی و آزادی و رفاه بدست دژخمان شاه از پای درآمدند. تاریخ هرگز این جنایت فجیع را که

استعمار و ضد استبداد باز دیگر پیشنهاد خود را تکرار میکند. جبهه واحد برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی شعاری نیست که بتواند مورد مخالفت این یا آن حزب، این یا آن گروه مترقی قرار گیرد. برای حفظ جان هزاران کارگر و دهقان و دانشجو و روحانی و کسبای که بخاطر بزرگداشت میهن خود در زندان های شاه زجر میکشند تشکیل جبهه واحد دفاع از حقوق زندانیان سیاسی اهمیت ضروری سبب میکند. م. عطارد

هست حاکمه ایران در عین بی آزر می آن را «نجات آذربایجان» نام گذارده از صحیفه خاطر نخواهد زدود. مردم آذربایجان طی قرن اخیر بارها بدفاع از آزادی و استقلال ایران برخاستند.

نام قهرمانان و رهبران نامداری چون حیدر عموغلو، شیخ محمد خیابانی، گلنل محمدتقی پسان، دکتر تقی ارانی پیوسته نقش ضمیر نیروهای انقلابی و میهن پرست کشور ما خواهد بود. جنبش دمکراتیک آذربایجان در سال ۲۵ - ۱۳۲۴ بدنیال همان سنتی رفت که این آزاد مردان پایه گذاری کردند و از احساس عشق بمیهن خود ایران مایه میگرفته است.

سیطره رژیم شاه بر خطه آذربایجان ثمرات ناخ و عواقب نامیمونی برای مردم ببار آورد. طی یکی دودهمه اخیر تنها از شهر تبریز باندازه تمام اهالی آن در جستجوی کار به خارج از آذربایجان کوچیده اند. آذربایجان، این استان زرخیز اکنون سامان فقر و بیکاری و عقب ماندگی است. مقاومت مردم آذربایجان کماکان باخوشنوی خونین و قساوتکارانه سرکوب میشود. اگر ارتجاع ایران تصور کند بدین شیوه توانسته است بروح مردم آذربایجان غلبه کند دچار اشتباه فاحشی است.

حزب توده ایران در برنامه خود تصریح کرده است که در کشور ما خلقها و اقوام مختلف زندگی میکنند. درست است که انواع پیوندها این خلقها را بهم متصل میکند ولی هر یک از آنها دارای یک سلسله میراث قومی، زبانی و فرهنگی هستند. بهترین شیوه تأمین وحدت خانواده خلقها در ایران اینست که خلقها بتوانند در چارچوب میهن واحد سر نوشت خویش را بدست گیرند. تا زمانیکه این واقعیت عیان در گفتار و کردار انکار میشود، نمیتوان انتظار داشت که صمیمیت و اعتماد متقابل بین خلقهای ایران تحکیم گردد.

ما در روز ۲۱ آذر به روان شهیدان جنبش دمکراتیک آذربایجان از صمیم قلب درود میفرستیم و پیروزی خلق آذربایجان را در کنار خلقهای ایران بخاطر نجات ایران از چنگ استبداد و استعمار خواهانیم.

استقلال طلب دینی پشتیبانی میکنند

آنها کسب کرده است.

تاریخ مشروطیت ایران سرشار از مثالهای بارزی است که چگونه مردم با روحانیون رفتار کرده اند. روحانیونی مانند شادروان بهبهانی و طباطبائی را مردم چون مردمک دیده خود دوست داشتند زیرا آنها در راه آزادی و استقلال کشور و سقوط استبداد سلاطین قاجار قدم برداشتند و از کسانی چون شیخ فضل اله نوری سلب شخصیت کردند. آیت اله کاشانی را تا روزیکه از هدفهای ملی پشتیبانی میکرد روی دست میبردند و بمحض مخالفت با نهضت و بند و بست با شاه و پشت کردند بدکتر مصدق در یک روز بصورت پیشری درآوردند. تئوری دستگاه حاکمه، که بلند گویان او از قبیل خواندنیها هستند، اینست که در قرن اتم هر قدر تقسیم کار و مسئولیت در میان افراد ملتی بیشتر باشد و مقامات و افراد و دسته ها در کار یکدیگر، خاصه در کار حکومت مداخله نداشته باشند، کاروان تمدن آن ملت زودتر بمقدم میرسد. طبق این نظریه روحانی باید بنماز و روزه پردازد، کاسب و پیشه ور فقط به کسب و پیشه خود مشغول باشد، دانشجو تنها درس بخواند، کارگر و دهقان هم مشغول کار و زحمت باشد و بیکران هم در انتظار کار باشند و عده ای هم بنام شاه و حکومت و دم و دستگاه او سیاست، یعنی

حکمرانی غارت مردم، وطن فروشی و غش و نوش سرگرم باشند! از این ضرر جتنو نمیتوان برای یک حکومت دیکتاتوری مانند حکومت محمد رضا شاه تبلیغ کرد. براساس این تئوری است که آیت اله خمینی و عده ای از روحانیون و استادان دانشگاه و سایر قشرها و طبقات مردم محکوم به تبعید و حبس و اعدام میشوند زیرا آنها «تقسیم کار» را بهم زده اند در سیاست یعنی در کار سر نوشت خود و مملکتشان دخالت کرده اند بآنها چه که شاه اتباع امریکا را بنام مستشار بایران میآورد و بآنها مصونیت میدهد؟ بآنها چه که شاه مجلس میسازد؟ بآنها چه مربوط که شاه منابع نفتی و ثروت ایران را بخارجیان میدهد؟ بآنها چه مربوط که دروازه های مملکت را بروی سرمایه و مال التجاره خارجیان باز میگذازد؟ بآنها چه که ایران بدستور امریکا و انگلیس در پیمان سنتو عضو شده و رقم مردم را صرف توپ و تانک و هواپیما میکند؟ بآنها چه که شاه و خانواده او ب شرکت خارجیان مردم را بانواع مختلف میچاپند؟ اینها همه وظیفه سنگین شاه و اقرار اوست! بقول معروف صاحب اختیار خرت برون چکار داری بنرخ نون! بدیهیست که طبق این نظریه وقتی آیت اله خمینی خطاب بمردم میگویی: «ای ملت ایران میدانند که در این روزها در مجلس چه گذشت؟ میدانند

مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار بمستعمره بودن ایران نمود، سند وحشی بودن ملت مسلمان را بامریکا داد؟ و یا آنکه اظهار میکنند: «باید پارلمان معیوت از ملت باشد» باید دولتها ملی باشند، باید اختناق ازمطبوعات برداشته شود... و یا در جای دیگر نطق خود در رقم اعلام میدارد که: «دنیا بنادق هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از اجانب است، از امریکاست، اینها همه تجاوز بحق شاه و حکومت ساخته او و اربابان اوست! همچنین اظهارات آیت اله شریعتمداری که میگویند: «اسلام میخواهد مسلمانان استقلال کامل داشته باشند، استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال قضائی و استقلال دینی، اسلام هرگز اجازه نمیدهد که بیگانگان در شؤون زندگی مسلمانان دخالت کنند. اما با نهایت تأسف اخیراً قانونی از مجلس گشت که باستقلال مملکت ما لطمه زیادی وارد ساخت و آن مصونیت مستشاران نظامی یک کشور خارجی یعنی امریکا بود... این ذلت بزرگی برای ملت، تجاوز از حد یک روحانی و دخالت در امور کارشناسان خیانت کار سیاسی یعنی شاه و عمال اوست! آیت اله نجفی مرعشی که از مراجع بزرگ تقلید است در نامه خود چنین مینویسد: «دولت ایران وسیله مطبوعات و دستگاه تبلیغات مملکت ما را همدردی ممالک اراقیه دنیا معرفی میکند و حال آنکه عملاً بر خلاف آن رفتار

م. آزاد مرد

مردم

دانشجویان گرانس مشمت محکمی بدهان نوکران شاه زدند

چندی پیش کاشور سرپرست دانشجویان ایرانی در تهریز ظاهراً برای «سیدگی» بکار دانشجویان، سفری به گرانس کرد. چنانکه بعداً معلوم شد آقای سرپرست از این مسافرت هدف دیگری داشت، زیرا اگر واقعاً صحبت بر سر رسیدگی بکار دانشجویان بود، معلوم نیست چرا آقای سرپرست پس از یکسال و نیم که از آخرین سفر وی میگذشته تازه بفکر دانشجویان ایرانی مقیم گرانس افتاده و چگونه میخواهد طی چند ساعت به کار ۲۰۰ نفر دانشجویی که با مشکلات گوناگون روبرو هستند، رسیدگی کند. منظور آقای سرپرست در واقع این بود که برای «اقدامات فرهنگی دوستانه شاه» تبلیغ کند، اذهان مقامات فرهنگی گرانس و دانشجویان تازه وارد ایرانی را نسبت بسازمان دانشجویان ایرانی در گرانس مشوب سازد، برای ایجاد یک سازمان دانشجویی دست نشانده در برابر سازمان واقعی دانشجویان در گرانس کوشش نماید و در ضمن زمینه را برای سفر رحمت انابلی سفير ایران در تهریز به گرانس فراهم سازد. اما بنظر میرسد که آقای سرپرست درسی را که در یکسال و نیم پیش دانشجویان ایرانی مقیم گرانس بوی داده بودند، فراموش کرده است و به همین جهت حساب ایشان خیلی زود غلط از آب درآمد. دانشجویان ایرانی مقیم گرانس آقای سرپرست را که گویا برای رسیدگی بکار آنها آمده بود، در برابر مسائل مشخص قرار دارند. آنها از آقای سرپرست خواستند که بگوید در مورد بیمه دانشجویان، کمک هزینه تحصیلی، مذاکره با مقامات دانشگاهی تهریز در مورد دادن شهریه ب دانشجوین ایرانی برابر با دانشجوین اتریشی، تصدیق اوراق اشتغال تحصیل، ساختمان کوی دانشجویان ایرانی، مشکلاتی که در برابر دانشجویان جدید قرار دارد، برسمیت شناختن سازمان دانشجویان ایرانی چه کرده است؟ دانشجویان از آقای سرپرست پرسیدند که پس این دستگاه عریض و طویل سفارت و سرپرستی برای چیست و این پولهای گزافی که خرج میشود بکجا میرود؟ از آنجا که آقای سرپرست جوابی نداشتند که باین سؤالات بدهند، دانشجویان خودشان جواب دادند. دانشجویان گفتند که رژیم شاه و سفارت

نامه زیر از طرف فدراسیون جهانی جوانان دمکرات در پنجم دسامبر سال جاری بوزیر فرهنگ ایران ارسال شده است.

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات باختم تمام مطلع شده است که دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، وقتی بعد از اتمام تحصیلات خود بکشور باز میگردند، یا برای استفاده از تعطیلات و دیدن اقوام خود به زادگاه خود میروند زندانی میشوند و در خارج از کشور دچار تضییقاتی میگردند و گزرنه هایشان تعدید نمیشود. تنها «اقدام» آنها اینست که این دانشجویان در مبارزات ملت خویش در راه استقلال، دموکراسی و صلح جهانی شرکت میکنند. تردیدی نیست که این اقدامات ضددمکراتیک و زیرپا گذاشتن اعلامیه حقوق بشر و علیه حقوق تحصیلی دانشجویان است و با مختصات عصر ما تطبیق نمیکند. دانشجویان است و سراسر جهان و دانشجویان ایرانی در بین آنها در زمینه های مختلف زندگی کشور هایشان نقش فعال دارند و نمیتوان مانع نقش پر تحرک آنها در تغییراتی که در دوران ما روی میدهد شد.

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات بنام میلیونها عضو خود و با وفاداری به اصول خویش شدیداً علیه این تضییقات غیر دمکراتیک مقامات دولت ایران متعرض است و همبستگی و پشتیبانی کامل خود را از مبارزه عادلانه ملت و جوانان ایران برای استقلال ملی و دمکراسی اعلام میدارد. فدراسیون جهانی جوانان دموکرات درخواست میکند که فوراً دانشجویان زندانی آزاد شوند و کلیه تضییقات علیه آنها برطرف شود. ما آنجناب را موظف میشماریم در این امر مداخله ورزد و حرمت حقوق دانشجویان را تأمین نماید. با احترامات ک. گ. پیلالی

نایب رئیس

نمایندگان احزاب کمونیست کشور های غرب و شرق عربی در ماه دسامبر ۱۹۶۴ گرد هم آمدند. در محیط دوستی و برادری به تبادل منبسط و تمرینش تجارب عقائد خویش پرداختند. آنها تأیید کردند که در تمام کشورهای عربی بشکال و میزانهای مختلف جنبش انقلابی برضد امپریالیسم، برای آزادی ملی، برای دموکراسی و ترقی ملی در حال تکامل عظیم است.

آنها تجارب الجزیره و جمهوری متحده عرب را بررسی کردند و اهمیت آنها را ستودند. آنها به دستاوردهای جمهوری دموکراتیک توده ای الجزیره که تحت رهبری حزب پیشاهنگ خویش - اف. ال. ان. - براساس منشور الجزیره که تمام انقلابیون سوسیالیست من جمله کمونیست ها را متحد میکند و مصممانه در راه سوسیالیستی قدم نهاده است، درود میگویند. آنها تصریح کردند که کامیابی این انقلاب که خصوصیات ملی الجزیره را بحساب میآورد، با تأثیر روز افزون نقش زحمتکش شهر وده در چارچوب یک دموکراسی انقلابی پیوند دارد و این دموکراسی انقلابی بهیتر متزاید در خود مختاری و تجهیز توده های مردم متجلی میشود.

آنها همچنین به تغییرات بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری متحده عرب که در راه تکامل غیر سرمایه داری قدم نهاده است، تهنیت میگویند. ارتباط

دانشجویان مبارزما در پیکار با رژیم شاه درس میگیرند. درس میگیرند که باید مبارزه خود را با رژیم شاه وسیع تر و عمیق تر سازند. درس میگیرند که باید در این مبارزه متحد تر باشند. رسوائی و شکست معنوی مجدد سفير و سر پرست بعنوان نوکران شاه و نمایندگان رژیم کنونی ایران، نتیجه شجاعت دانشجویان گرانس در پرده دری از رژیم شاه، نتیجه اتحاد آنها در پرورد با نوکران شاه بود. ما بدانشجویان مبارز گرانس درود پر شور میفرستیم و پیروزی آنها را در مبارزه عادلانه شان خواستاریم و امیدواریم همچنانکه در وقایع اخیر نشان دادند و در آینده نیز مصمم تر و متحد تر ضریات جدیدی بر رژیم شاه وارد سازند و گامهای تازه ای در راه دفاع از حقوق ملی و دانشجویی خود بردارند. ما از همه دانشجویان ایرانی میطلبیم که از دانشجویان مبارز گرانس پشتیبانی کنند و نگذارند توسطه سفارت ایران برای اخراج دانشجویان مبارز ایرانی از تهریز عملی گردد و فشار بر دانشجویان تشدید میشود.

علاقه به دوستان جبهه ملی است. ولی رفتار این دوستان خواه در ایران و خواه در خارج از کشور تا امروز متأسفانه آغشته به خرافه ضد توده ایست و حتی در مقاله مورد بحث این سلیقه نادرست انعکاس یافته است.

پس از آن مقدمه منطقی و محکم، نویسنده مقاله میکوشد تقصیر تفرقه را به گردن «چپ نمایان خیاللب و راست گرایان افراطی، بیاندازد و تنها راه تجمع را، تجمع در جبهه ملی میسرند و میویند: «آیا تفرقه و جدائی کافی نیست؟ آیا استثمار شدگان ایران نمیتوانند و نباید صرف نظر از عقاید مختلف فلسفی و صرف نظر از اختلاف منافع تصویری قشرها و طبقات استثمار شده (؟) با اجتناب از گروه سازهای و مرزبندیهای مصنوعی (؟) دربرآمون برنامه واحد و سازمان واحد متمرکز شوند؟ جبهه ملی سازمان وسیعی است که خود همه استثمار شدگان، تمام کسانی را که خواه بدلائل مادی با دیکتاتوری و امپریالیسم مخالفند، درآمان خود جای میدهد. شرط شرکت در این اردوی عظیم، وابستگی بمبانی فلسفی و یا جانبداری از منافع قشر طبقه خاصی نیست. جبهه ملی ایران تأمین منافع همه استثمار شدگان را علیه استثمار کنندگان و منافع ملی را علیه امپریالیسم جهانی، در صدر برنامه مبارزات سیاسی و اجتماعی خویش قرار داده است. بنظر ما تمام وطن پرستان و آزادیخواهان و همه استثمار شدگان عضو جبهه ملی و فعالترین آنان عضو سازمانهای آن هستند. استثمار شدگان ایران، تفرقه کافی است! بخاطر پیروزی در سازمانهای جبهه ملی ایران متشکل شوید!، سؤال میکنیم: آیا منظور شما از «جبهه ملی» همان سازمان وسیعی است که کلیه نیروهای ضد رژیم

اعلامیه جلسه مشورتی احزاب کمونیست کشورهای عربی (صادر در ماه دسامبر ۱۹۶۴)

این دستاوردها با شرکت روز افزون توده های مردم، با بسط دموکراسی، با کوششهایی که برای تبدیل اتحاد سوسیالیستی عربی، بسازمانی که منعکس کننده باز هم بیشتر منافع و ایدئولوژی زحمتکش باشد، به جمهوری متحده عرب اجازه میدهد که بسوی سوسیالیسم قدم بردارد.

کمونیست های عرب همچنین پیروزی بزرگ سودان را که در آن عمل توده ها موجب بدر کشایی دیکتاتوری ارتجاعی گردید و کامیابی اراده خاق سودان را که برای قدم گذاردن در راه ترقی اجتماعی خواهان استقرار یک نظام ملی و دموکراتیک است تجلی کرد، تهنیت میگویند.

شرکت کنندگان در این جلسه که بارضایت خاطر کامیابی جنبش انقلابی را در یک رشته از کشورهای تصریح کردند، با تأسف متذکر میشوند که علت اصلی ضربه سنگینی که در فوریه ۱۹۶۳ از طرف ارتجاع به انقلاب عراق وارد گردید - بطوریکه واقعیت و تجربه حزب کمونیست عراق نشان میدهد - تفرقه صفوف نیروهای انقلابی و میهن پرست، و علاوه برآن انهدام دموکراسی و تقویت مواضع امپریالیسم در عراق بود.

شکست افشیرسم سیاه در عراق در نوامبر ۱۹۶۳ که زیر فشار توده های مردم عملی گردید، بقیه در صفحه ۳

را علی رغم استقلال سازمانی و فکری آنها، زیر برنامه واحدی برای نبرد علیه رژیم کودتا متحده میکند؟ آیا رهبران کنونی جبهه ملی آمادهدان با حزب توده ایران بمنظور شرکت در یک چنین جبهه وسیع مذاکره کنند؟ اگر پاسخ این دو سؤال مثبت است، ما کوچکترین بحث لفظی با کسی نداریم و برای ما فرق نمیکند که آن تجمع وسیع سازمانهای ضد رژیم چه نام دارد و بنوبه خود برای مذاکره و تعیین برنامه و شکل سازمانی این تجمع وسیع و شرکت در آن آمادهم. ولی اگر منظور آنست که باید کلیه سازمانها از جهت ساختمان تشکیلاتی و اصول مرامی در چارچوب سازمان های موجود جبهه ملی مستحیل شوند، اگر چنان که متأسفانه در اسناد مختلف رهبران جبهه ملی هنوز دیده میشود، سیاست، مستثنی شمرند، حزب توده ایران که امکان ادامه دارد، در انصورت مسلماً در عمل و واقعیت این پیشنهاد بلامحتوی است، تلاش آقایان عبث است و بجائی نخواهد رسید. آنوقت ملت ایران کسانی را بخواهد بخشد که سالیان دراز است بصرار این مشی ضد توده ای، این مشی مبتی برسکتاریزم سازمانی را که منجر بتفرقه نیروها شده است دنبال میکنند.

سؤال صریح مطرح شده و پاسخ آن میتواند صریح باشد. مردم ایران باین پاسخ نیازمندند تا قضاوت نهائی خود را بکنند. آنچه که بما مربوط است ما در راه تأمین تجمع نیروهای ضد رژیم در کادر اصولی مطروحه از پای نخواهیم نشست و اطمینان داریم که منطق حوادث و اشیاء همه میهن پرستان واقعی را باین راه خواهد کشاند، چنانکه در بسیاری از دیگر کشور های جهان کشانده است. فقط تأسف اینجاست که این توحید قواهر قدر دیرتر شود رژیم مستبدانه و حلیان آن بیشتر بر اریکه قدرت استوار خواهند ماند. خوشبختانه در صفوف جبهه ملی نیرو هائی هستند که بیش از پیش به ضرورت توحید کلیه قوا پی میبرند. این اکنون در برابر ما نشریه، پیام دانشجو، مورخ آبان ۱۳۴۳ منتشره در تهران قرار دارد. این نشریه متعلق بیک سازمان وابسته به جبهه ملی است. در این نشریه تحت عنوان «جبهه ملی»، روش مبارزه هدف و تشکیلات، میویند: «برای آنکه جبهه مؤثر شود و در راه آرمان بزرگ ملت ما یعنی آزادی و استقلال ایران عزیز گام بردارد، باید در های خود را بروی کلیه احزاب و اجتماعات و دستجات آزادیخواه بازگذارد و از مردم در حدودی که واقعیت حکم میکند توقع و انتظار داشته باشد، تمام مقاله با تأکید و تصریح همین مطلب نوشته شده است و درخاتم آن یکبار دیگر گفته شده است که جبهه ملی باید «کلیه احزاب و اجتماعات و دستجات مردم را برای یک مبارزه همگانی و یکپیکر، دعوت کند. ما امیدواریم که این طرز قضاوت سالم سرانجام غلبه خواهد یابد.